



مدرسان شریف

فصل اول

«سیری در مدیریت اسلامی»

مقدمه

اهمیت مدیریت

همان طور که می‌دانید انسان‌ها به صورت اجتماعی زندگی می‌کنند. هر گروه یا جمعیتی به یک رهبر یا یک مدیر نیاز دارد تا آن را هدایت و ساماندهی کند. برای اینکه انسان‌ها به اهداف خود برسند، باید مدیرانی باشند که هم هدف را بشناسند و هم ابزار رسیدن به آن را. استاد مطهری بهترین شیوه مدیریت را همان روش و سیره پیامبر اسلام (ص) که در جامعه عقب‌افتاده عربستان انجام داد، معرفی می‌کند. این شیوه و روش باعث شد مردم از عقب‌افتادگی به پیشرفت و ترقی برسند. همانطور که امام (ره) می‌فرماید: «هدف ربوبیت و رهبری در اسلام تبلور بخشیدن به اسمای حسناى الهی و عینیت بخشیدن به ارزش‌های انسانی - اخلاقی است.»

تقرب و نزدیکی به خداوند، هدف اصلی خلقت و هدف مکتب اسلام است. در نظر داشته باشید که در شیوه مدیریت اسلامی، انگیزه‌های فردی و گروهی جهت‌دهنده نیست، بلکه این ارزش‌های انسانی است که جهت را مشخص می‌کند. پایه و شالوده مدیریت و حکومت اسلامی، حکومت برای رسیدن به حق و حقیقت است. مدیریت در جامعه آنقدر مهم است که خداوند فرستادگانی را برای سرپرستی و هدایت انسان می‌فرستد و هرگز آن‌ها را بدون راهبر، راهنما، رهبر و مدیر نمی‌گذارد. با توجه به این که اسلام آیین همه پیامبران الهی است (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) از این رو مدیریت انبیای الهی عمدتاً بر اساس حق و حقیقت‌خواهی است. بنابراین برای رسیدن به این هدف باید اسلام را خوب بشناسیم و از طرفی جنبه‌های حکومتی و مدیریتی اسلام را به درستی بررسی کنیم. در این رابطه آیت‌الله مصباح می‌گوید: «ما تا نظام ارزشی خودمان را آگاهانه نشناسیم و آن را تبیین نکنیم و برتری آن را به سایر نظام‌های ارزشی ثابت نکنیم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که یک نظام مدیریت صحیح یا مدیریت ارزشمندی را می‌توانیم ارائه دهیم.»

کج مثال ۱: هدف اصلی دو مقوله خلقت و مکتب اسلام چیست؟

- ۱) رسیدن به سعادت ۲) تقرب به سوی خداوند ۳) پرهیزکاری ۴) ساده زیستن

پاسخ: گزینه «۲» هدف اصلی خلقت و هدف مکتب اسلام، تقرب به سوی خداوند است. در شیوه مدیریت اسلامی، انگیزه‌های فردی و گروهی جهت‌دهنده نیست، بلکه جهت‌دهنده، ارزش‌های انسانی است. پایه و شالوده مدیریت و حکومت اسلامی، حکومت برای رسیدن به حق و حقیقت است.

مدیریت در اسلام: خداوند در قرآن کریم در سوره روم، آیه ۲۰ در مورد آفرینش انسان می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ»؛ «یکی از قدرت‌های خدا این است که شما آدمیان را از خاک خلق کرد، سپس که بشری شدید، همه روی زمین منتشر شدید.» همچنین در آیه ۱۲۹ سوره بقره از جانب حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: «پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان که از میان آن‌ها رسولانی برانگیزی تا بر مردم تلاوت آیات تو کنند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموز و روانشان را از زشتی منزه ساز، تویی که در همه عالم قدرت و علم کامل داری.» خداوند با این برنامه انسان‌ها را آفرید و جهانی به این عظمت را خلق کرد تا آن‌ها بتوانند با آسایش زندگی کنند و انسان‌ها را خلیفه امر قرار داد و برای آن‌ها از نوع خودشان رسولانی را فرستاد تا برای رسیدن به هدف واقعی، راهنما و هدایتگرشان باشند.

به طور کلی هدف رسالت پیامبران و امامان این است که پیام الهی، امامت و رهبری را به جوامع بشری برسانند. وجود و اهمیت مدیر در جامعه این قدر مهم است که وقتی حضرت موسی (ع) به امر خدا به مدت ۴۰ روز به دیدار و ملاقات او در کوه طور می‌رود، برادرش هارون را که پیامبری از پیامبران الهی بود، جانشین خود می‌کند. همانطور که خداوند در حجة‌الوداع می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ...»؛ «ای پیغمبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ داشت، همانا خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.»



این آیه، جانشینی و مدیریت بعد از پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد. امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «در مطالعه احوال بشر، هیچ گروهی و ملتی را نمی‌یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد، مگر به وجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آن‌ها را مدیریت نماید.» همانطور که خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «[پیامبر بدین جهت مبعوث شد تا با مدیریت خویش]، بارهای سنگین و کمرشکن را [از دوش انسان‌ها] بردارد و زنجیرهایی که [بر گردن روح] نهاده شده است، بگشاید.»

بنابراین حکومت و ولایت پیامبران تماماً از جانب خداوند بوده و طی یک برنامه معین و منظم تنظیم شده است. حکومت واقعی و مدیریت اصلی در اسلام از طرف خداست و خداوند نماینده‌های خود را در جهان به عنوان امام و رهبر معرفی کرده است تا آن‌ها وظیفه مدیریت و رهبری در جهان را بر عهده بگیرند. همانطور که امام علی (ع) در جواب «لا حُکْم الا لله» از طرف گروه خوارج می‌فرماید: «سخن حقی است که از آن اراده باطل شد.» درست است که فرمانی که فرموده است، ولی این‌ها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد نیاز دارند تا در سایه استقرار حکومت زندگی کنند. بنابراین واضح است که مدیریت یکی از اصول هدایت انسان‌ها به سوی هدف والای انسانی است.

کلمه مثال ۲: کدام گزینه از جمله اهداف رسالت پیامبران و امامان نمی‌باشد؟

- ۱) رساندن پیام الهی ۲) امامت در جامعه ۳) رهبری در جامعه ۴) سرپرستی امور مادی

پاسخ: گزینه «۴» هدف رسالت پیامبران و امامان رساندن پیام الهی، امامت و رهبری در جوامع بشری است. وجود و اهمیت مدیر در جوامع بشری آن قدر مهم است که هنگامی که حضرت موسی (ع) به امر خداوند به مدت ۴۰ روز به دیدار و ملاقات خداوند در کوه طور می‌رود، برادر خود هارون را که پیامبری از پیامبران الهی بود، جانشین خود می‌کند.

مبانی مدیریت اسلامی

سازمان چیست؟

فلسفه وجودی سازمان از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، انسان‌ها فطرتاً اجتماعی آفریده شده‌اند و برای بقا و تکامل خود نیازمند «سازمان» و تشکیلاتی هستند تا ضمن تنظیم روابط اجتماعی، از طریق همکاری با یکدیگر، به اهداف مورد نظر دست پیدا کنند. اصل اجتماعی بودن ناشی از فطرت اجتماعی است. برخی از آیات قرآنی که ضرورت سازمان یافتگی و طبع اجتماعی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهند عبارت‌اند از:

- گروه‌بندی افراد جامعه برای شناخت مناسب

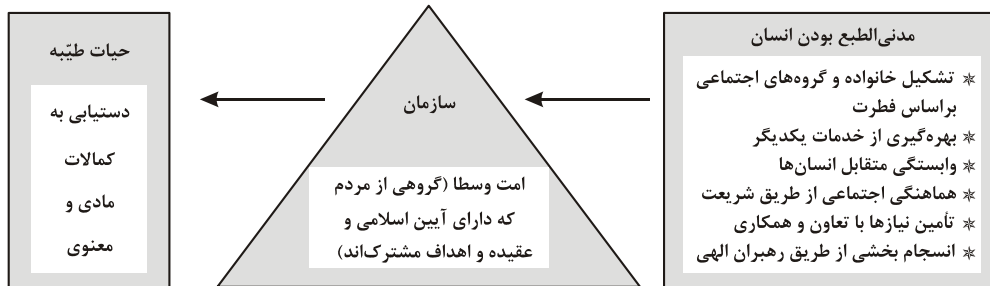
- بهره‌گیری از خدمات افراد در قالب شکل‌گیری اجتماعات بشری

- وابستگی متقابل افراد جامعه به یکدیگر برای تأمین نیازها و خواسته‌ها: در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران آمده است: «بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ»؛ «هر یک از شما وابسته به دیگری است.»

- روابط اجتماعی ناهم‌هنگ و اختلاف‌انگیز، زمینه‌ساز از هم‌گسیختگی و پراکندگی اجتماعات انسانی

- رهبری مبتنی بر شریعت الهی، عاملی کلیدی در انسجام بخشی و سازمان یافتگی اجتماعات انسانی: دعوت به اتحاد و اجتماع برای اولین بار از طرف حضرت نوح (ع) (قدیمی‌ترین پیامبری که دارای کتاب و شریعت بوده است)، شروع شده است و بعد از او حضرت ابراهیم (ع) و سپس حضرت موسی (ع) و پس از آن حضرت عیسی (ع) عهده‌دار این دعوت بوده‌اند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر کدام از آیات فوق به نحو خاصی مسئله اجتماعی بودن انسان را مورد بحث قرار داده است.



فرآیند شکل‌گیری سازمان مبتنی بر آیات قرآن

خداوند در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی پیشه سازید و با هم صبر کنید و با هم رابطه داشته باشید و از خدا بپرهیزید، باشد که رستگار شوید.» صبر در این آیه شامل صبر بر شدائد، صبر در اطاعت و صبر بر ترک معصیت است و امر بر «مصابره» یعنی یکدیگر را سفارش به صبر کردن می‌باشد. مرابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد است، اما مرابطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون زندگی اجتماعی و دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی و مراد از این مرابطه آن است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد.

کج مثال ۳: پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون اجتماعی و دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی را چه می‌گویند؟

۱) مرابطه (۲) مصابره (۳) مرابده (۴) مراقبه

پاسخ: گزینه «۱» مرابطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها در جمیع شئون زندگی اجتماعی و دینی چه در حال شدت و چه در حال خوشی و مراد از این مرابطه آن است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد.

در این آیه، اولاً خداوند امر به صبر فردی کرده است و سپس دستور داده که به طور دسته جمعی مشکلات را تحمل کنند. در این آیه شریفه، امر به «ارتباط» می‌شود؛ یعنی جامعه باید بین نیروها و عملیات خود در کلیه شئون ایجاد ارتباط کند، چه در سختی باشد و چه در رفاه. خداوند، «اجتماعی بودن» در امر جهاد را تا آن حد که برای پیروزی در دفاع لازم و ضروری است به طور مستقیم واجب کرده است که این یک نوع دستور اجتماعی است. اسلام ضمن اینکه در همه قوانین عبادی، معاملاتی و سیاسی، اجتماع را مراعات می‌کند، در معارف اساسی خود نیز اجتماعی است. اسلام اولاً؛ به جامعه دستور داده که به طور مداوم دعوت دینی را برقرار دارند؛ ثانیاً مردم را به امر به معروف و نهی از منکر مکلف ساخته و ثالثاً؛ فرمان داده است که مسلمانان از مردمی که افکار مغرضانه و شبهه آلود دارند دوری گزینند.

از نظر ابوریحان بیرونی، اجتماعی بودن انسان مبتنی بر چند اصل مهم است:

اصل استثناس (تجانس): ابوریحان با این اصل به ریشه لغوی انسان که از «انس» مشتق شده، نزدیک می‌شود؛ بدین معنا که زندگی انسان جز به واسطه انس و همیاری با دیگران کامل نمی‌شود و بنیان جامعه بر مبنای همگنی و تشابه استوار است. وی علاوه بر همگنی، به مفاهیم دیگر فلسفه اجتماعی بودن انسان، مثل «هم شکلی، احساس هم زبانی، درک متقابل و تفاهم» اشاره می‌کند.

کج مثال ۴: از دیدگاه ابوریحان بیرونی، بر اساس کدام اصل، بنیان جامعه بر مبنای همگنی، هم شکلی، احساس هم‌زبانی، درک متقابل و تفاهم است؟

۱) اصل استثناس (۲) اصل هدف‌مندی (۳) اصل نیازهای انسان (۴) اصل تضاد

پاسخ: گزینه «۱» ابوریحان با این اصل به ریشه لغوی انسان که از انس مشتق شده، نزدیک می‌شود، بدین معنا که زندگی انسان جز به واسطه انس و همیاری با دیگران کامل نمی‌شود و بنیان جامعه بر مبنای همگنی و تشابه استوار است.

اصل تضاد: این اصل به اختلاف مقاصد و خواسته‌های گوناگون مرتبط است که خود موجب به‌وجود آمدن نزاع‌های اجتماعی می‌شود. طبایع متضاد ضمن اینکه همدیگر را دفع می‌کنند، به دلایلی به جذب و همکاری نیز تمایل دارند.

نیازهای انسان: انسان برای رفع ضرورت‌های زندگی‌اش، به زندگی جمعی گرایش دارد و همین نیازهاست که موجب ایجاد حرفه‌ها، صناعات، انواع علوم و معارف بشری می‌شود.

براساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، مبدأ حیات جمعی، در گرایش انسان به تأمین نیازهای اولیه است. طبع انسان محتاج به اجتماع است و چنین اجتماعی را با لوازمی که دارد، «تمدن» خوانند. حکمت الهی به تباین آرا و همت‌ها قرار گرفت تا هرکس به دنبال شغلی باشد. خواجه نصیرالدین طوسی معتقد است: «به مکانی که اجتماع اشخاص متفاوت و مختلف با آرا و افکار و حرفه و صنعت گوناگون در آن جای دارند و با تعاون به یکدیگر اسباب زندگی یکدیگر را فراهم می‌کنند، «مدینه» گویند. این است معنای قول حکما که «الانسان مدنی بالطبع»؛ یعنی انسان بالطبع محتاج به اجتماعی است که به آن «تمدن» می‌گویند».

صدرالمتألهین معتقد است که انسان با آن عظمت خلیفة‌اللهی خود، «موجودی مدنی» است. انسان مدنی به‌طبیعت است و معیشتش در دنیا به سامان نمی‌رسد، مگر از راه تن دادن به تمدن و همکاری و اجتماع با دیگران. ملاصدرا از ضرورت حیات اجتماعی به ضرورت حکومت (سازمان) می‌رسد. دستیابی به کمال نهایی، خیر برتر و سعادت، جز در سایه حکومت (سازمان) در اشکال سه‌گانه: «مدینه»، «امت» و «معموره جهانی» امکان‌پذیر نیست. معموره (جامعه جهانی فاضله) هنگامی محقق می‌شود که همه امت‌های آن برای رسیدن به سعادت حقیقی با یکدیگر همکاری نمایند.

خواجه نصیرالدین طوسی منشأ زندگی جمعی را وجود گرایش‌هایی در درون انسان‌ها می‌داند که افراد برای رفع نیازهای اولیه و ضروری خود دور هم جمع می‌شوند و چنین گرایش‌هایی همیشه و در هر مکان و شرایط، برای انسان و هم نوعانش وجود دارد.

از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، یک اجتماع کامل انسانی از افرادی تشکیل می‌یابد که انگیزه‌های مختلفی دارند. عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده‌ای که برتر از همه نهادها و رأی‌هاست و ریاستش مافوق ریاست‌هاست، «دولت» می‌باشد. علامه دوانی، کمال فرد را به حضور وی در جامعه و ایجاد روابط و همکاری در تأمین نیازهای یکدیگر و اعمال عدالت بر آن روابط و همکاری‌ها می‌داند. به عبارت دیگر، اول و آخر رشد و کمال انسان، یافتن «هویت جمعی» است. از دیدگاه خواجه نصیر، اجتماعات انسانی به جهت گستردگی و پیچیدگی‌شان، نیاز به عواملی دارند که پایه‌هایشان را با ثبات و مستحکم کرده و به آنها شکل دهد تا بتوانند به حیات خود استمرار بخشند. بنابراین عوامل بقا و دوام سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی عبارت‌اند از: محبت، صداقت، عدالت، سیاست (مدیریت) و قانون. هریک از این عوامل نقش مهمی در پایداری و استحکام حیات جمعی دارند. عدالت، در ساختارها تعادل ایجاد می‌کند و محبت موجب همگرایی میان افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود، چنان که رواج صداقت در میان مردم به همگرایی می‌انجامد و سیاست (مدیریت) و قانون موجب تحقق، بقا و استمرار می‌شوند.



کج مثال ۵: از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، در ساختارها ایجاد تعادل و موجب تحقق، بقا و استمرار می‌شوند.

(۱) قانون - عدالت و محبت (۲) قانون - سیاست و صداقت (۳) قانون - صداقت و محبت (۴) عدالت - سیاست و قانون

پاسخ: گزینه «۴» عوامل بقا و دوام سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی عبارت‌اند از: محبت، صداقت، عدالت، سیاست (مدیریت) و قانون. هریک از این عوامل نقش مهمی در پایداری و استحکام حیات جمعی دارند. عدالت، در ساختارها تعادل ایجاد می‌کند و محبت موجب همگرایی میان افراد و گروه‌های اجتماعی می‌شود، چنان‌که رواج صداقت در میان مردم به همگرایی می‌انجامد و سیاست (مدیریت) و قانون موجب تحقق، بقا و استمرار می‌شوند.

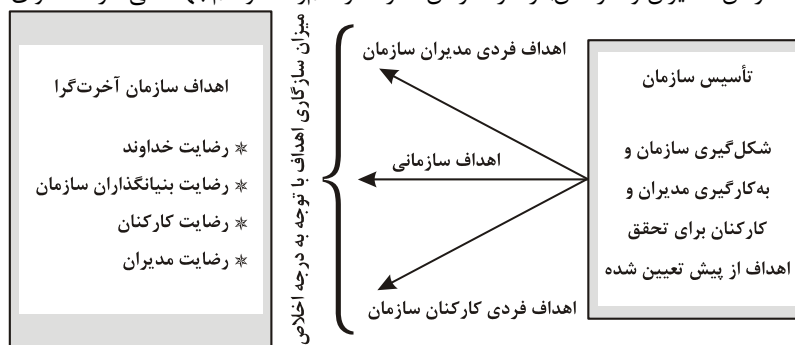
ماهیت سازمان از دیدگاه اسلام

در متون اسلامی برای تبیین مفهوم سازمان از مفاهیمی همچون امت، حکومت، دولت، مدینه، اجتماع انسانی و ... استفاده شده است که با کمی اغماض می‌توان آنها را معادل «سازمان» فرض نمود. قرآن کریم نوع مطلوب و ایده‌آل سازمان را «امت وسطا» می‌نامد که از آن با عنوان امت مسلمه، امت معتدل و امت عدل نیز یاد شده است. در این مجموعه، «سازمان آخرت‌گرا یا توحیدی»، مترادف با عناوین فوق بوده و معرف سازمان مطلوب و ایده‌آل اسلامی است. واژه «امت» در قرآن برای گروهی از انسان‌ها که براساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و اقدام به تشکیل یک جامعه دینی با اهداف مشترک کرده‌اند، به کار رفته است. امت در اندیشه سیاسی اسلام، مفهومی انحصاری و ویژه برای جامعه مسلمانان است که تحت حکومت قوانین اسلامی بوده و دارای عقیده و اهداف مشترک هستند. لذا تنها ملاک عضویت در آن، عقیده مشترک اسلامی است و شرایط شکل دهنده ملیت و ملی‌گرایی و ملاک‌های نژادی و جغرافیایی در آن نقش ندارد. کلمه «امت» به معنای مجموعه‌ای از انسان‌هاست و هر نوع وحدتی که بتوان میان گروهی از انسان‌ها در نظر گرفت، واژه «امت» بدان قابل اطلاق است. در امت اسلامی، ملاک اصلی، وحدت عقیدتی، فرهنگی و وحدت جهان‌بینی دینی است.

براساس دیدگاه قطب الدین رازی، دستگاهی که سیاست‌های فضیلت‌آور را جاری می‌کند، «دولت» می‌باشد. براساس تعالیم قرآن، تعاون و همکاری، جوهره سازمان محسوب می‌شود. «اصل تعاون و همکاری» یک اصل کلی اسلامی است که باعث انسجام و سازمان‌یافتگی فعالیت‌های انسانی می‌شود. خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «و تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی و لاتعاونوا علی الإثمِّ و العُدوان»؛ «و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید». آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. جالب توجه اینکه «برّ و تقوی» هر دو در آیه فوق با هم ذکر شده‌اند که یکی جنبه اثباتی دارد و به اعمال مفید اشاره دارد و دیگری جنبه نفی داشته و اشاره به جلوگیری از اعمال خلاف می‌باشد. به این ترتیب تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکی‌ها و هم در مبارزه با بدی‌ها انجام گیرد.

سازمان ابزاری برای تحقق حیات طیبه

سازمان آخرت‌گرا یا سازمان توحیدی باید به دنبال تحقق حیات طیبه برای اعضای امت خود باشد. امام علی (ع) برای تبیین ضرورت آخرت‌گرایی از «استعاره مسافر» استفاده می‌کند. بنابراین با عنایت به «استعاره مسافر» درخصوص آخرت‌گرایی که در کلام امام علی (ع) مورد استفاده قرار گرفته است، ذی‌نفعان در سازمان آخرت‌گرا خود را از قید و بند محدودیت‌ها و چالش‌های مادی آزاد می‌سازند و با هدف روشنی که بر اساس تعالیم الهی برای خود ترسیم نموده‌اند، به منزلگاه ابدی می‌اندیشند و از نظر روحی و روانی با آمادگی کامل به استقبال مسائل و مشکلات پیش‌رو در زندگی فردی و سازمانی می‌روند و هزینه‌های مادی و غیرمادی را با طیب خاطر تحمل می‌کنند تا سرمایه‌های بیشتری برای آخرت خود فراهم سازند. با عنایت به فرمایش امام علی (ع)، در یک سازمان آخرت‌گرا، مدیران و کارکنان مترصد فرصتی هستند تا محتاج کمک یا نیازمندی را بیابند تا با رفتارهای مبتنی بر همکاری و نوع‌دوستی، نسبت به حل مشکلات کاری، معیشتی و روانی همکاران در محیط سازمان و جامعه، بدون هیچ چشم‌داشت مادی اقدام مقتضی به عمل آورند. در چنین فضایی، فرهنگ اینترگرانه، جهادی و رفاقتی، جایگزین فرهنگ سازمان رقابتی می‌شود. اسلام، آخرت‌گرایی را در متن زندگی‌گرایی قرار داده است. از نظر اسلام، راه آخرت از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی دنیایی می‌گذرد. عنصری که اهداف سه‌گانه (اهداف سازمان، مدیران و کارکنان) را در سازمان آخرت‌گرا هم‌راستا و هم‌جهت می‌سازد، «تقوای الهی» است.



سازگار نمودن اهداف در درون سازمان آخرت‌گرا

کج مثال ۶: عنصری که اهداف سازمان، مدیران و کارکنان را در سازمان آخرت‌گرا هم‌راستا و هم‌جهت می‌سازد، کدام است؟

(۱) باورهای اسلامی مشترک (۲) تقوای الهی (۳) اهداف مشترک (۴) تعاون و همکاری

پاسخ: گزینه «۲» اسلام، آخرت‌گرایی را در متن زندگی‌گرایی قرار داده است. از نظر اسلام، راه آخرت از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی دنیایی می‌گذرد. عنصری که اهداف سه‌گانه (اهداف سازمان، مدیران و کارکنان) را در سازمان آخرت‌گرا هم‌راستا و هم‌جهت می‌سازد، «تقوای الهی» است.



کج مثال ۳۶: کدام مورد از مهم‌ترین نکات آداب علم‌آموزی و درس‌آموزی از محضر قرآن کریم محسوب نمی‌شود؟

- (۱) دوری از خودنمایی
(۲) پرهیز از تحمیل دانسته‌های خود به قرآن
(۳) علم داشتن به مسأله موردنظر
(۴) پذیرش هر نوع تحمیل انطباقی

پاسخ: گزینه «۴» روش درست برخورد با منابع دینی طرح سؤال و دوری از مقایسه سطحی و التقاطی است. مهم‌ترین نکات آداب علم‌آموزی و درس‌آموزی از محضر قرآن کریم عبارتند از: دوری از خودنمایی و اظهار فضل و علم در محضر قرآن کریم، پرهیز از تحمیل دانسته‌های خود به قرآن کریم، علم داشتن به مسأله موردنظر و شناخت جوانب و ابعاد حل نشده آن.

نقش زمان و مکان در فهم و تحقق دین

هر موجودی در عالم طبیعت، دارای زمان و مکانی خاص است. برای بررسی هر پدیده‌ای از بُعد مادی لازم است به زمان و مکان وقوع آن پدیده توجه شود. بنابراین باید به منظور درک شأن قرآن و سنت معصوم (ع) از نظر نحوه صدور، ویژگی‌ها و چگونگی فهم و عمل به آن‌ها زمان و مکان را مدنظر قرار دهیم.

الف) فهم قرآن کریم

- ۱- مطالعه تاریخ نگارش قرآن و آموزش و نحوه گردآوری آن، یکی از مقدمات ارزشمند در فهم پیام قرآن است.
- ۲- توجه به ویژگی نظارت قرآن بر حکومت و نهضت پیامبر (ص) در عین تمام و کمال بودن، خود یکی از نشانه‌های اعجاز قرآن است.
- ۳- تقسیم آیات قرآن به مکی و مدنی دو دوره‌ی مهم را در نظام نهضت اسلامی پیامبر (ص) نشان می‌دهد. این دو دوره عبارتند از: دوره‌ی اول: دوره قبل از تشکیل حکومت اسلامی؛ این دوره به دوره‌ی تربیت مکتبی شایسته و کارآمد معروف است.
- دوره‌ی دوم: دوره بعد از تشکیل حکومت اسلامی؛ این دوره به دوره تشکیل حکومت و به‌کارگیری نیروها و نحوه‌ی اداره‌ی نظام و حکومت اسلامی معروف است.
- ۴- توجه به ترتیب نزول آیات و سوره‌ها، شأن نزول آن‌ها و فضای اجتماعی زمان نزول آیات، حقایق بسیاری را در امر مدیریت و رهبری و فهم و اجرای «وحی الهی» به ما نشان می‌دهد.
- ۵- توجه به ویژگی تربیتی اعتقادی و معنوی نیروها و مراحل آن در دوره اول و نزول تدریجی، حجم زیادی از آیات احکام عبادی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی در کنار آیات اعتقادی، اخلاقی و تربیتی در دوره دوم بیشتر مورد تأکید است. این دوره‌ها، اهداف، سیاست‌ها و مراحل گام نهادن در مسیر ارزش‌های الهی را برای ما مشخص می‌کند.
- ۶- توجه به زمان و مکان صدور آیات محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مشروط، مختصر و واضح، به ما در نحوه‌ی وضع قوانین و اجرای آن کمک می‌کند. به ویژه پدیده «نسخ» و پدیده «تأخیر صدور» برخی از احکام عملی از زمان تشکیل حکومت اسلامی، به ما در شناخت ویژگی بعضی از معضلات اجتماعی و نحوه حل و فصل آن‌ها کمک می‌کند.
- ۷- با کمک تجربه مستقیم موضوعات قرآنی در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و ارتباط با قشرهای مختلف جامعه، ویژگی موضوعات را شناخته و فهم صحیح احکام آن‌ها از قرآن و سنت برای ما آسان می‌شود.
- توجه کنید که اگر پژوهشگر و دانشمند دین از تجربه خود و ارتباط و معاشرت با اقشار مختلف استفاده نکند، به افراط و تفریط کشیده شده و یا راحت‌طلب و بی‌مسئولیت می‌شود.

کج مثال ۳۷: در فهم و تحقق دین، کدام گزینه مربوط به فهم قرآن کریم نمی‌شود؟

- (۱) تقسیم آیات قرآن به مکی و مدنی
(۲) توجه به کیفیت و سطح صدور سنت
(۳) توجه به زمان و مکان صدور آیات محکم و متشابه
(۴) توجه به ویژگی‌های تربیتی اعتقادی و معنوی

پاسخ: گزینه «۲» طبق توضیحات گفته شده، توجه به کیفیت و سطح صدور سنت مربوط به فهم قرآن کریم نمی‌شود.

ب) فهم سنت معصوم (ع)

- سنت معصوم (ع) یعنی مجموعه سخنان، عملکردها و رفتارهای معنی‌داری که به اصطلاح «قول و فعل و تقریر» نامیده می‌شود. همه ویژگی‌هایی که در قرآن باید به آن توجه کرد، در سنت معصوم (ع) هم باید رعایت شود. البته پژوهشگر علاوه بر این در فهم و عمل به سنت، باید به نکات زیر هم توجه کند:
- ۱- میزان فهم و درک مخاطب، عاملی مهم در کیفیت و سطح صدور سنت است، چنانچه در اصول کافی آمده است: «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ تَكَلَّمُ النَّاسُ عَلَيَّ قَدَرِ عُقُولِهِمْ». «ما جماعت انبیاء، با مردم به میزان عقلشان سخن می‌گوییم».
 - ۲- قصد و نیت تفسیرکننده (مخاطب) احکام و احادیث معصوم (ع) به ویژه مخاطب اهل بیت (ع) در اعتبار و عدم اعتبار حدیث بسیار اثر دارد. در اصطلاح به این مورد «جهت صدور حدیث» می‌گویند. مثل صدور احادیث تقیه‌ای که عمدتاً به دوره اهل بیت (ع) بعد از پیامبر (ص) تعلق دارد. تقیه موضوعی است که در آیات قرآنی و سنت معصومان (ع) ریشه دارد و در فهم محتوا و هدف کلام ائمه معصومین (ع) مؤثر است.

۳- گاهی مواقع بنا به ضرورت اداره حکومت و رهبری مردم، به صدور دستورات مقطعی و خاصی شبیه به آیات نسخ (آیاتی که در مورد موضوع خاصی است) نیاز است و باید این دستورات را از سنت و رفتار دائمی و مستمر معصوم (ع) استخراج کرد.

۴- طبیعی است که وقتی می‌خواهیم سنت و رفتار معصوم (ع) را تفسیر کنیم، دچار خطا و فراموشی شویم. بنابراین در اینجا باید «نقل به معنا» انجام داد. به عبارتی، احتمال دارد کسی که سنت و احادیث را گزارش می‌کند، سهواً دچار خطا شود. از طرفی ممکن است در سلسله نقل‌ها و در رعایت زمان و مکان خاص مخاطبین از طرف معصوم (ع) و احتمالات دیگر خطایی به وجود آید، به همین دلیل به قرآن و تبعیت از حدیث بسیار تأکید می‌شود. یعنی ابتدا حدیث را از دریچه قرآن نگاه کرده و سپس دست به تفسیر یا پذیرش یا رد احادیث زد.

۵- پراکندگی صدور احادیث به علت دخالت زمان و مکان (محدودیت مخاطبین) از یک طرف و از طرف دیگر انسجام و جامعیت قرآن به دلیل ساختار ابدی و بدون تغییری که در بیان موضوعات (در طول زمان و مکان) مختلف دارد و نیز ارتباط مفهومی و نظام‌مند همه‌ی اجزای قرآنی در پیگیری واحد، اهمیت و ضرورت تمرکز بر قرآن را نشان می‌دهد. این مهم به ویژه در سیاست‌گذاری کلان و برنامه‌ریزی‌های درازمدت و میان‌مدت و طراحی ساختار اداری، اجتماعی، سیاسی و نظامی مشاهده می‌شود.

۶- توجه و تفکر در اندیشه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی اهل تسنن و گروه‌های مخالف اهل بیت (ع) در زمان امامان معصوم (ع)، ما را با موضوعات و خصوصیات احکام آن موضوع در سنت و رفتار و سلوک معصوم (ع) آشنا می‌کند. مرحوم آیت‌الله بروجردی (مرجع و فقیه شیعه) بر این مسأله بسیار تأکید داشتند.

۷- باید تمامی منابع احادیث مربوط به اهل بیت (ع) ارزیابی شوند، مگر احادیثی که در حد تواتر لفظی، معنوی و اجمالی باشند (احادیثی که از تمامی منابع شیعه و سنی روایت شده است). در هر صورت احادیث مربوط به اهل سنت علاوه بر ارزیابی متن، باید اسناد و منابعشان هم کاملاً بررسی شود. البته متونی مثل نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، آنقدر محتوای کاملی دارند که نیازی به بررسی آن‌ها نیست.

کج مثال ۳۸: چه عاملی در کیفیت و سطح صدور سنت از اهمیت زیادی برخوردار است؟

(۱) قصد و نیت تفسیرکننده (۲) ضرورت اداره حکومت و رهبری مردم (۳) توجه به تفکر در اندیشه‌های اعتقادی (۴) میزان فهم و درک مخاطب

پاسخ: گزینه «۴» میزان فهم و درک مخاطب عاملی مهم در کیفیت و سطح صدور سنت است. چنانچه در اصول کافی آمده است: ما جماعت انبیاء، با مردم به میزان عقلشان سخن می‌گوییم.

ت) تحقق دین

«تحقق دین» با توجه به عوامل زیر به وجود می‌آید:

۱- علم به زمان: این موضوع شرط اساسی تحقق دین در جامعه است. علم به زمان یعنی مجموعه معرفت‌ها و شناخت‌های ضروری نسبت به اوضاع اجتماعی و بین‌المللی و جریانات اقتصادی و فرهنگی و فکری در هر عصر و زمانه. این مهم باعث می‌شود عالم به زمانه از کج فهمی‌ها و اثرات آن در امان بماند. «أَلْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا يَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ». به عبارت دیگر علم به زمانه یعنی مطالعه و عبرت از احوال گذشتگان، ایمان و تقوای شدید، معاشرت با اقشار و اقوام مختلف، همراهی با اکثریت جامعه، تلاش جدی برای اصلاح امور به ویژه فقر اقتصادی و فرهنگی، آگاهی بر معرفت‌های حوزوی و دانشگاهی و حوادث مختلف دیگر.

این علم، سطح دینداری و توان فکری و روانی مردم را در تحقق ارزش‌های دینی به ما نشان می‌دهد. باید علم به زمانه را با توجه به واقعیت‌های جامعه و براساس چارچوب‌های تعیین شده از سوی مقام عصمت (ع)، نوع آموزش دینی و چگونگی ارائه‌ی آن برای اقشار مختلف جامعه، مشخص کرده و با نهایت دقت و به درستی از آن استفاده کرد. رهبران فرهنگی و اجرایی جامعه اسلامی اولین کسانی هستند که باید از ویژگی علم به زمانه برخوردار باشند. رهبران عمدتاً از متن حوزه و دانشگاه بیرون می‌آیند. در درجه‌ی بعد، اقشار دیگر جامعه باید سعی کنند به ویژگی‌های آگاهی به دین، صبر در برابر مشکلات و ... دست یابند.

۲- دادن توان فکری و روانی به جامعه: این توان برای تحمل مشکلات و سختی‌های عمل به دین خداست و از دو عامل زیر به وجود می‌آید:

الف) آموزش صحیح ارزش‌های قرآنی به جامعه از طریق تبیین نظری و معرفی اسوه‌های عملی انبیاء و اولیاء

ب) عمل به ارزش‌ها توسط منادیان فرهنگ الهی در جامعه اسلامی

۳- ضرورت ارزیابی دقیق جوامع اسلامی: میزان نزدیکی به ارزش‌های اسلامی و تفکیک ابعاد آن از یکدیگر و طراحی و تدوین الگوی دینی مناسب، با توجه به میزان آمادگی و معرفت دینی انجام می‌شود. در مورد اقشار مختلف جامعه هم، از نظر محتوی و روش، ارزیابی، تفکیک و تدوین باید انجام شود.

۴- ضرورت اجرای تدریجی احکام قرآن در جامعه: در صورتی که اجرای یکباره و ناگهانی احکام اسلام باعث به وجود آمدن چالش‌ها و تنگناهایی در جامعه شود، بهتر است که این احکام تدریجی و به طور قاطع انجام شود؛ مثلاً مسأله‌ی ربا در سیستم بانکی، حتی اگر جامعه دچار هرج و مرج هم نشود، بهتر است به صورت تدریجی با آن مقابله شود. همین‌طور است حسابرسی به ثروت‌های باد آورده، شکستن حصارها و موانع ازدواج دائم در قالب تک همسری و اصلاح امور خانواده‌های معظم شهدا و سایر اقشار جامعه.

۵- ضرورت تأکید و پافشاری بر تحقق عدالت اقتصادی و اصلاح امر معیشتی اقشار آسیب‌پذیر: این مهم زمینه مساعدی را برای پرورش مسائل دینی و تحقق ارزش‌های مذهبی و دینی فراهم می‌کند.

۶- انتخاب و انتصاب کارگزاران و مدیران امین و کارآمد و آخرت‌گرا در منصب‌های دولتی و حکومتی: این امر باعث هم‌گرایی مردم و موجب نفوذ ارزش‌های دینی در زندگی آحاد جامعه می‌شود.



۷- قاطعیت دستگاه قضا در برابر تخلفات مسئولین رده بالای مملکتی و سیاست عفو و گذشت و مدارا با عموم جامعه: موجب اعتماد جامعه به نظام و الگوپذیری از رهبران اسلامی می‌شود. در سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۱۹۹ نیز آمده است:

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ: عفو و گذشت را همچون سلاحی به دست گیر و به عرف و نیکی فرمان بده و از جاهلان اعراض نما».

عکس‌العمل حضرت سلیمان (ع)، نسبت به فقدان هدهد (مسئول آب‌شناسی نظام سلیمانی) اشاره به امر قاطعیت دارد: در سوره نمل آیات ۲۰ - ۱۹ در این باره آمده است: «مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم! مگر از غیبت‌کنندگان است! به حق قسم که او را سخت مجازات خواهم کرد! حتی ممکن است او را سر ببرم! مگر اینکه برایم دلیل روشن قابل قبولی بیاورد».

۸- ضرورت کنترل جدی مسئولان رده بالا و میانی و رهبران دینی نسبت به دنیاطلبی و وابستگی خویش: توجه نکردن به این امر باعث می‌شود که اعتقاد مردم سست شده و ارزش‌های دینی و همچنین مسئولان نظام مورد تمسخر قرار بگیرند.

۹- ضرورت تربیت و پرورش نیروهای فرهنگی عالم، متدین، متعهد و متخصص برای هدایت اقشار مختلف جامعه: این مهم با توجه به نیازها و ویژگی‌های آن‌ها، انجام می‌شود و این رسالت بر عهده حوزه و دانشگاه است.

۱۰- ضرورت ایجاد پایگاه‌ها و مؤسسات فردی در خارج از کشور: این کار با پرورش و تربیت و اعزام دانشمندان آگاه به فرهنگ قرآنی به عنوان سفیران رسمی و غیررسمی نظام و فعال کردن سفارتخانه‌های خارج از کشور انجام می‌شود.

کج مثال ۳۹: کدام مورد از جمله عوامل مهم در تحقق دین محسوب نمی‌شود؟

(۲) علم به مکان

(۱) علم به زمان

(۴) دادن توان فکری و روانی به جامعه

(۳) ضرورت ارزیابی دقیق جوامع اسلامی

پاسخ: گزینه «۲» با توجه به آنچه گفته شد، علم به مکان از جمله عوامل مهم در تحقق دین محسوب نمی‌شود.

وقتی که خدا در طور سینا، تورات را به عنوان قانون زندگی بنی‌اسرائیل بر موسی نازل کرد، بنی اسرائیل به خاطر راحت‌طلبی و دنیاطلبی و سرکشی از اطاعت از دستورات تورات اجتناب کردند و دست به اعتراض زدند. در این موقع بود که برای تنبیه این قوم، کوه به یک باره با غرشی ترسناک از جای خود کنده شد و بالای سر آن‌ها قرار گرفت. نفس همه گرفت و همه‌ی اعتراض‌های‌شان تبدیل به سکوتی مرگبار شد. در این موقع است که دستور می‌رسد: شما باید به دین خدا تسلیم شوید و به آن عمل کنید. به نظر می‌رسد که تعهد گرفتن در این شرایط یعنی در صورتی که به دین خدا روی نیاورید و به آن عمل نکنید، کوه را بر مغزتان می‌کوبیم. دلیل این خشونت این است که معجزات الهی و توجهات غیبی بسیاری در موارد سرنوشت‌ساز، حجت را بر بنی اسرائیل تمام کرده‌اند پس دیگر راهی جز پذیرش رسالت الهی ندارند و گرنه به شدت مجازات می‌شوند: چنانچه در سوره‌ی بقره، آیه ۲۱۱ آمده است:

«از بنی اسرائیل بپرس، چه بسیار از آیات روشنگر به آنان، بی‌دریغ، دادیم؟! و هر که نعمت خدا را از پس آمدنش به سوی او دگرگون کند، پس به یقین، خداوند عقابش شدید است».

معنای دیگری که قرار گرفتن کوه بر سر آنها دارد این است که مسئولیت سنگین مسلمانان را در برابر قانون خدا به آن‌ها گوشزد کند. پیروزی انقلاب اسلامی و نابودی فرعون زمان از عنایت الهی است و شکر مناسبش به عهده گرفتن مسئولیت عظیم تحقق قرآن برای تداوم انقلاب اسلامی است و آلا باید منتظر عذاب خدا باشیم که مثل کوه بر سرمان کوبیده شود.

وقتی سر باز زدن و شانه خالی کردن در برابر دستورات تورات چنین پیامدهایی داشته باشد، تصور کنید کوتاهی در برابر قرآن، چه پیامدی خواهد داشت. در صورت بررسی دقیق دو آیه‌ی فوق (۲۱۱ بقره و ۱۷۱ اعراف)، مشخص می‌شود که این بخش از آیه که می‌گوید: «خُذُوا مَا آتَيْنَاهُمْ بِقُوَّةٍ وَ ادْكُرُوا مَا فِيهِ» تفسیر «يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ» است.

اخذ و گرفتن با قوت قرآن معادل تمسک به قرآن و ذکر محتویات قرآن، لازمه تمسک به آن است. روایت است که در مورد «خُذُوا مَا آتَيْنَاهُمْ بِقُوَّةٍ» از امام باقر (ع) سؤال شد که منظور از قوت، قدرت بدنی است یا نیروی قلبی؟ حضرت فرمودند منظور هر دو معنی است.

زمینه‌های اصلاح مدیریت

از زمینه‌های اساسی برای توانمندی مدیریت اسلامی و تمسک به قرآن، مرور و رجوع مکرر به آن است. منظور از مرور مکرر، انس عمیق با قرآن و منظور از رجوع مکرر، مرجعیت قرآن در حوزه نظر و صحنه عمل است.

نکات دیگری که در زمینه توانمندی مدیریت باید به آن توجه داشت یکی تقید به حرکت در چارچوب وحی الهی و دیگری عدم خلط نظریات افراد با حکم الهی است. در سوره اعراف (۱۶۹) قبل از بیان شرایط مدیریت اسلامی آمده است:

«آیا مگر بر ایشان (بنی اسرائیل) پیمان محکم کتاب آسمانی گرفته نشد که جز حق و حقیقت را بر خدا نسبت ندهند و محتویات کتاب آسمانی را مرور و رجوع مکرر نمایند؛ و خانه آخرت مایه خیر و برکت است برای کسانی که تقوا پیشه کنند، پس چرا تعقل نمی‌کنید؟!»

مدیریت اسلامی موظف است آنقدر در امر مطالعه قرآن تلاش کند که گویی آن را مندرس کرده است و برای حل مشکلات و ارائه راه سعادت آنقدر به قرآن مراجعه کند مثل این که، آن را پیر و فرتوت کرده است. پس می‌توان گفت درس قرآن میثاقی است که در برابر قوانین الهی از امت هر پیامبری خصوصاً مدیریت اسلامی گرفته شده است. رجوع زیاد به قرآن هرگز آن را کهنه نمی‌کند و مرور زیاد آن هم باعث نمی‌شود که عجایب آن تمام شود.

همان طور که در خطبه‌ی ۱۵۶ نهج‌البلاغه آمده است: «وَلَا تَخْلُقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ» و در منبعی دیگر نیز آمده است: «لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ».

«هرگز شگفتی‌های قرآن تمام نمی‌شود؛ و هرگز امور اسرارآمیزش، سپری نمی‌گردد»

مدیریت فرهنگی برای اینکه بتواند در کیش و مسلک علمای ربانی (تربیت‌کننده جان خویش و دیگران، در جهت رضای خداوند) قرار گیرد باید خود را با قرآن مأنوس کرده و ویژگی‌های قرآنی کسب کند و به آن متصف گرداند، همان طور که در آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی آل عمران اشاره شده است:

«ولیکن وجودهایی ربانی باشید؛ به واسطه آن که کتاب خدا را پیوسته آموزش می‌دهید؛ و بواسطه آن که پیوسته، انس و رجوع دائمی به قرآن دارید».

با توجه به ابتدای آیه مشخص است که ربانی شدن باعث می‌شود که از استکبار و خودمحوری در مدیریت اسلامی جلوگیری شود. در صورتی که مدیریت فرهنگی و اجرایی این صفت الهی را نداشته باشد باعث بردگی و اسارت و رکود و خمودگی انسان‌ها می‌شود:

«هیچ بشری صلاحیت ندارد به اینکه خداوند به او قانون و حکومت و نبوت دهد؛ سپس این فرد به مردم بگوید: بردگان من در مقابل خدا باشید! ولیکن بگوید که ربانی باشید...؛ و همچنین حق ندارد که شما را فرمان دهد تا ملائک و انبیاء را سرپرستان خویش و شریک خدا، قرار دهد!»

توصیف ربیون که پیروان ربانیون هستند سطح انتظار الهی از مدیریت اسلامی را نشان می‌دهد:

«و چه بسیار از پیامبرانی که ربیون (خدائیان) فراوانی در معیشتش جنگیدند؛ پس سست نشدند بدانچه که در راه خدا به آنان اصابت نمود؛ و ضعف نشان ندادند و تن به ذلت نسپردند؛ و خداوند صابران را دوست دارد».

یکی از دلایل انتخاب طالوت به فرماندهی و رهبری که در سوره بقره آمده است، این است که او دارای صفات توانایی معنوی و معرفتی و اجرایی بود. این صفات بر ضرورت انتصاف علمی و عملی مدیریت اسلامی به ارزش‌های اسلامی و قرآن تأکید می‌کند.

«پیامبرشان فرمود: به یقین، خداوند او را در صفا و خلوص بر شما برگزیده است و بساطت و وسعتی در علم و جسم به او ارزانی داشته است».

کج مثال ۴۰: منظور از مرور مکرر و رجوع مکرر به قرآن به ترتیب چیست؟

۱) انس عمیق با قرآن - مرجعیت قرآن ۲) مرجعیت قرآن - انس عمیق ۳) انس عمیق - منبع موثق ۴) مرجعیت قرآن - مایه خیر و برکت

پاسخ: گزینه «۱» از زمینه‌های اساسی برای توانمندی مدیریت اسلامی و تمسک به قرآن، مرور و رجوع مکرر به آن است و منظور از مرور،

انس عمیق با قرآن و منظور از رجوع مکرر، مرجعیت قرآن در حوزه نظر و صحنه عمل است.

کج مثال ۴۱: خصوصیات وجودهای ربانی چیست؟

۱) آموزش کتاب خدا و انس و رجوع دائمی به آن

۲) درجه اعتماد داشتن

۳) تربیت‌کننده دیگران

۴) تن به ذلت سپردن

پاسخ: گزینه «۱» وجودهای ربانی، کتاب خدا را پیوسته آموزش می‌دهند و انس و رجوع دائمی با قرآن دارند.

دین اسلام و علم

تمسک به کل قرآن نه بخشی از آن: قرآن مجموعه‌ای جامع و کامل از احکام، اخلاق و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی است که لازم است همه از آن پیروی کنند و کاملاً آن را بپذیرند. التزام به بخشی از قرآن و عدم التزام به بخش دیگر آن به معنای عدم التزام به همه قرآن است و باعث ذلت و خواری دنیا و مجازات اخروی می‌شود.

«پس آیا به بعضی از کتاب خدا ایمان دارید و به بعضی دیگر کفر می‌ورزید؟ پس مجازات کسی از شما که چنین کند، چیست؟ جز خفت و خواری در زندگی پست دنیا و روز قیامت به شدیدترین عذاب، دچار خواهند شد و خداوند از آنچه می‌کنید، غافل نیست!»

نکته ۷: سخت‌ترین و شدیدترین عذاب مربوط به مجازات فرعونیان است که در سوره غافر آیه ۴۶ آمده است. «أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ».

«آل فرعون را در شدیدترین عذاب‌ها داخل کنید».

هر گناهی میزان معینی عذاب دارد. در اینجا هم سطح بودن عذاب تجزیه‌طلبان (مؤمنانی که به قسمتی از قرآن ایمان دارند) با آل فرعون نشانه‌ی درجه شومی آثار چنین اعتقادی در جامعه اسلامی است و آسیب‌های فراوانی بر روح و روان فرد و جامعه وارد می‌کند.

قرآن کریم نسخه کامل دردها: نسخه کامل درمان دردهای انسان‌ها قرآن کریم است و هر قسمت از این نسخه که کنار گذاشته شود، آثار قسمت‌های دیگر را کم کرده و باعث هلاکت و گمراهی می‌شود. چنانچه در سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۲ آمده است: «و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»

«و از قرآن، پیوسته و به تدریج فرو می‌فرستیم، هر آنچه را که یکپارچه درمان دردها و رحمت واسعه برای مؤمنان است».

کج مثال ۴۲: عدم التزام به کل قرآن چه پیامدی را به دنبال دارد؟

۱) عدم سعادت در دنیا و آخرت

۲) ذلت و خواری در دنیا

۳) مجازات آخرت

۴) ذلت و خواری در دنیا و مجازات اخروی

پاسخ: گزینه «۴» قرآن مجموعه‌ای کامل از احکام، اخلاق و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی است که لازم است همه از آن پیروی کنند و کاملاً آن را

بپذیرند. التزام به بخشی از قرآن و عدم التزام به بخش دیگر آن به معنای عدم التزام به همه قرآن است و باعث ذلت و خواری دنیا و مجازات اخروی می‌شود.



قرآن کریم پیکری واحد: آیات قرآن مثل اجزای پیکری واحد است که اگر بعضی از آیات آن حذف شود مثل این است که عضوی از این پیکر قطع شده است. به طوری که نه آن عضو به تنهایی حیات دارد و نه این پیکر ناقص کارایی لازم را دارد. مهم‌تر این که فساد یک عضو باعث ناکارآمدی و فساد کل پیکر می‌شود.

بنابراین، بعضی از افراد قرآن را تجزیه‌طلب می‌نامند و خداوند آنان را به عذابی سخت تهدید کرده است. آیات ۹۱-۸۹ سوره‌ی حجر در این باره می‌گوید: «و بگو به یقین، من شدیداً به عذاب الهی هشداردهنده‌ای روشن‌گرم؛ همان‌گونه که عذاب را بر تجزیه‌طلبان (قرآن) فرو فرستادیم؛ آنان که قرآن را عضو عضو قرار دادند و پاره پاره نمودند»

با توجه به این آیات می‌توان فهمید که آیات الهی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، بنابراین باید هم در نظر و هم در عمل به آن توجه جدی داشت. قرآن کریم به هیچ وجه گسستگی اجزا را در نظر و عمل نمی‌پذیرد و آن را رد می‌کند.

ادعای اقتضایی بودن قرآن: ادعای اقتضایی بودن بخشی از قرآن را اخیراً گروهی به ظاهر روشنفکران مدعی فهم قرآن مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که آنچه در قرآن آمده است، لزوماً دینی نیست و جوهر دین از تزکیه و تهذیب نفس و اصلاح امور اخروی صحبت می‌کند. پس آن قسمتی از قرآن موضوع تدین است که به امر آخرت مربوط باشد. بنابراین قسمت‌های باقی مانده آن از حوزه‌ی دینت خارج است. ادعای اقتضایی بودن قرآن در سه حوزه مطرح شده است.

الف - حوزه تکوینیات (هست‌ها) ب - حوزه تشریعیات (بایدها) ج - حوزه گزینش مطالب و مثال‌ها

الف - حوزه تکوینیات

اقتضایی بودن در این حوزه به معنی هم‌نوایی قرآن با دستاوردهای علمی و تجربی بشری زمان خودش است. بر این اساس بعضی از این دستاوردها، با گذشت زمان رد شده‌اند و این ثابت شده است، مانند نظریه افلاک نه‌گانه بطلمیوسی که با بطلان هیئت بطلمیوسی، مطالب نجومی قرآن باطل شده و ملتزم شدن به این مطالب معنی ندارد.

نکته ۸: در مورد اقتضایی بودن قرآن این طور می‌گویند که قرآن کریم باید با توجه به مقتضیات زمان خودش سخن بگوید. از آنجایی که بیان حقایق علمی مخالف زمان نزول باعث می‌شد که بین قرآن و علوم زمانه تعارض ایجاد شود، پس باید به دروغ مصلحت‌آمیز متوسل شد و چون بشر راهی برای اثبات بیانات قرآن نداشت، مشغله بیهوده‌ای برای پیامبر به وجود می‌آمد و نزاعی بی‌حاصل و منحرف‌کننده شکل می‌گرفت. بنابراین برای این که جلوی جنگ و دعوا گرفته شود به جهت و مصلحت قرآنی باید علوم زمانه تأیید شود. ساده لوحان این نظریه را تصدیق کرده و دشمنان دین، دین را مسخره می‌کنند و این شبهه‌ای شیطانی است.

این مطالب را علمای یهود و نصاری به عنوان ترفند به کار بردند تا یهودیت و مسیحیت را در برابر تهاجم علوم تجربی نجات دهند. آن‌ها گفتند مطالبی که در تورات و انجیل آمده است و مخالف علوم تجربی است به خاطر اقتضای زمان نزول آن‌هاست و ربطی به دین ندارد. این تدبیر باعث شد اهل کتاب هر چند به طور موقت از بخشی از تهاجمات علوم تجربی در امان بمانند، اما نتیجه آن جدایی دین از سیاست و امور اجتماع در غرب بود و دین را به صورت امری شخصی و نه اجتماعی، فرعی و نه اصلی و صرفاً اخروی و نه دنیوی در حاشیه زندگی مردم و در کنج کلیساها و کنیسه‌ها درآورد.

مثال ۴۳: اقتضایی بودن در حوزه تکوینیات به چه معناست؟

۲) هم‌نوایی قرآن با دستاوردهای علمی و تجربی

۱) تزکیه و تهذیب نفس

۴) اعتقاد به امور دینی و شرعی

۳) درک مسائل اخروی

پاسخ: گزینه «۲» اقتضایی بودن در حوزه تکوینیات به معنی هم‌نوایی قرآن با دستاوردهای علمی و تجربی بشری زمان خودش است و بر این اساس بعضی از این دستاوردها، با گذشت زمان رد شده‌اند و این ثابت شده است، مانند نظریه افلاک نه‌گانه بطلمیوسی.

نقد و بررسی

۱- خدا قرآن را کاملاً به حق نازل کرده و کاملاً هم از حق پوشیده شده است. این در عالم طبیعت به اثبات رسیده است. در آیه‌ی ۱۰۵ سوره‌ی اسراء آمده است: «و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ»: «حق، نظر به امر ثابت مستقر دارد و با صدق قرین است».

۲- تمام کلام خدا بر اساس حق و حقیقت و صداقت است و دروغ هیچ راهی به قرآن ندارد. در سوره‌ی نساء نیز آمده است:

«وَعَدَالِلَهُ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»: «خداوند به یقین وعده‌اش حق است؛ و کیست که در سخن از خداوند، راست‌گوتر باشد؟!»

و باز در همان سوره آمده است: «اوست الله که هیچ معبودی جز او نیست، به یقین، شما را تا روز قیامت به یکدیگر منضم کرده، در روز قیامت گرد خواهد آورد که هیچ شکی در تحقق آن روز نیست؛ و کیست که در سخن تازه از خداوند راست‌گوتر باشد؟!»

۳- وقتی قرآن از هفت آسمان و هفت زمین صحبت می‌کند با نظریه بطلمیوس چه ارتباطی دارد. در کجای آن نظریه این سخن آمده است؟ بطلمیوس در مورد افلاک نه‌گانه شمس و قمر، هفت سیاره منظومه شمسی (عطارد، ناهید، زهره، زمین، مریخ، زحل و مشتری) که تا آن روز شناخته شده بود، توضیح می‌دهد:

در حالی که قرآن کریم از هفت آسمان و هفت زمین می‌گوید که بطلمیوس آن‌ها را نمی‌شناسد. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ: خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید؛ و از زمین، همانند آسمان‌ها را آفرید».

رویکردهای غالب

تعلیمات اسلامی چیزهایی هستند که جزء متن اسلام است. تعلیمات اسلامی از نظر ارتباط آنها با انسان مورد توجه قرار گرفته و براساس ابعاد وجودی انسان به سه دسته تقسیم شده‌اند:

(الف) بخش عقاید: عقاید یعنی مسائل و معارفی که باید آنها را بشناسیم و به آن معتقد باشیم و ایمان بیاوریم. علمی که عقاید را در برمی‌گیرد، علم کلام نام دارد. علم کلام، علم عقاید اسلامی است و قبلاً به آن علم «اصول دین» یا علم «توحید و صفات» هم می‌گفتند.

(ب) بخش اخلاق: اخلاق یعنی مسائل و دستورهایی که درباره چگونه بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است. به هر امری که مربوط به خلق و خوی انسان است اخلاق می‌گویند و علم آن علم اخلاق نام دارد. به‌طور مثال عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت و... جزء اخلاق است.

(ج) بخش احکام: احکام یعنی مسائل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی، چگونه باید انجام شود و به فقه معروف است و علم آن را علم فقه می‌گویند. برای مثال: نماز، روزه، حج و جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم ارث، طلاق، نکاح و... جزء احکام است.

مدیریت اسلامی: رویکرد حسی - تجربی

اصالت حسی و تجربه

در روش تجربی بعد جسمی و روحی انسان اصیل شمرده شده و جزء ابعاد ذاتی به حساب می‌آید و ابعاد دیگر حالتی زمینه‌ای و ابزاری یا تجسمی دارند. چیزی که اساس شکل‌گیری افکار و روحيات انسان می‌شود به حواس انسان و به تبع آن به تجربه و رفتارهای ظاهری و قابل مشاهده وی برمی‌گردد که در مراتب بعدی چهره‌های پیچیده‌تری را به وجود می‌آورد و سایر ابعاد وجودی انسان را می‌سازد.

علم

توجه داشته باشید که در این رویکرد منظور از علم، معنی تجربی آن است. این کلمه به دانستنی‌هایی گفته می‌شود که براساس تجربه مستقیم حسی باشند و در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که نمی‌توان آن‌ها را آزمایش کرد، در واقع آزمون‌پذیر نیستند. بنابراین به مجموعه گزاره‌هایی که مفاد آن حاکی از عالم خارج و محسوس باشد و از روش آزمون به دست آمده باشد «علم» گفته می‌شود.

معیار صحت

صحت شناخت و چیزی که باعث تکامل انسان می‌شود «عمل» است و صحت عمل هم به «وقوع» برمی‌گردد و می‌توان گفت تنها فلسفه‌ای که می‌تواند حقیقت صحت وقوع را به مرحله اثبات برساند، فلسفه عملی است.

مفروضات و اصول موضوعه

بعضی از جنبه‌های معرفت‌شناسی و وجودشناسی این نگرش تجربی عبارتند از:

- ۱- منبع معرفت را فقط عقل ابزاری، جزئی و استدلال‌گرا می‌داند.
 - ۲- در مورد وجودشناسی - مادی‌گراست. (به عالمی غیر از عالم ماده و مادیات معتقد نیست).
 - ۳- انسان‌گرایانه است: یعنی انسانیت را در جایگاهی می‌نشانده که گویی همه چیز و همه کار باید در خدمت او باشد.
 - ۴- فردگرایانه است: یعنی نقطه تمرکز آن در حفظ حقوق، تضمین استقلال و افزایش رشد فردی انسان است.
 - ۵- برابری طلبانه است: یعنی معتقد است که همه انسان‌ها برابرند و باید از حیث آزادی‌ها، حقوق، حرمت، مقبولیت، فرصت‌ها و مجال‌ها با آنان برخورد یکسانی شود.
 - ۶- آزاداندیشانه است: یعنی عاطفه را خاستگاه و مبنای تمامی رفتارهای اخلاقی و داوری درباره قبح و زشتی آنها می‌داند.
- در مورد مدیریت اسلامی تحقیقات مختلفی انجام شده است که می‌توانیم آن‌ها را مصداق و نمونه‌ای از رویکرد تجربی - عینی بدانیم.

مطالعات میدانی

یکی از مصداق‌های رویکرد تجربی این است که بر روش حاکم بر مدیریت موجود و تعمیم آن به مدیریت اسلامی تأکید می‌کند؛ یعنی علاوه بر این که به ماهیت اصلی مدیریت موجود و روش تجربی حاکم بر سنجش عملکردها توجه می‌کند، همین روش را در مفاهیم اسلامی و مصادیق، نمونه‌ها، الگوها و عملکرد مدیران در تاریخ و جامعه اسلامی به کار گرفته و مجموعه نتایج و محصولات به عنوان مدیریت اسلامی ارائه می‌شود.

نکته ۱: در رویکرد حسی - تجربی، مهم‌ترین مطلب تأکید بر عینی بودن مدیریت اسلامی و نشان دادن آثار و علائم آن در مواضع مختلف است.

مطالعات کاربردی

یکی از نمونه‌های مهم توجه به مفاهیم ارزشی و برخاسته از معارف اسلامی و مطالعه کاربردی تأثیر آنها بر اثربخشی و کارایی سازمان‌ها یا عملکرد مدیران در قالب فرضیه‌های مختلف است. بنابراین پیش‌فرض این مبحث آن است که در مدیریت اسلامی دستگاهی از مفاهیم وجود دارد که اگر این مفاهیم عملی شوند مشکلات اجرایی را حل می‌کنند، حداکثر نتیجه را به دنبال دارند و موجب اثربخشی می‌شوند.



مطالعات موردی

یکی از شیوه‌های رایج در استنباط و ارائه مفاهیم مدیریتی، مطالعه موردی است. در این مطالعات یک واقعه یا پدیده سازمانی، اجتماعی و یا تاریخی از زاویه مباحث مدیریتی تجزیه و تحلیل می‌شود و نتایجی به دست می‌آید. این شیوه در رویکرد تجربی مدیریت اسلامی هم به کار گرفته شده است. مثلاً وقایعی که در جامعه اسلامی و به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی رخ داده و جنبه ارزشی آن بارز و مشخص است، به صورت موردی بررسی و مطالعه شده است.

مطالعه الگوها

منظور از الگو کسانی هستند که در متن دینی و به ویژه اسلام پرورش یافته‌اند و به همین دلیل رفتار آنها و شاخص‌های حاکم بر آن می‌تواند الگوی رفتاری دیگران قرار گیرد و به عنوان بخش‌های دیگر از مدیریت اسلامی ارائه شود. بر همین اساس می‌توانیم فرض کنیم مدیریت اسلامی یعنی انعکاس عمل مدیران و رفتار آنها و این الگوها را می‌توانیم به الگوهای معصوم (ع) و غیرمعصوم تقسیم کنیم.

الف) الگوهای معصوم: مطالعه رفتار این دسته از الگوها دامنه بسیار وسیعی را در مطالعات مدیریت اسلامی فراهم می‌کند و در این مورد تحقیق‌های فراوانی به صورت عینی و تجربی انجام شده که هنوز هم می‌توان آنها را توسعه و گسترش داد.

ب) الگوی غیرمعصوم: افرادی که در چارچوب نظام فکری اسلام عمل می‌کنند و عملکردشان متناسب با مبانی ارزشی برخاسته از اسلام است. این عملکرد آن‌ها می‌تواند عمل قابل قبول و اثربخشی به حساب بیاید. مثلاً اگر امام خمینی توانستند یک انقلاب را مدیریت کرده و ضمن پیروزی آن حتی جنگ هشت ساله را اداره کنند، به گونه‌ای که اکثریت مردم تا آخرین لحظه مطیع و گوش به فرمان ایشان بودند، دلیل واقعی را باید در زمینه‌های پرورش ایشان و به ویژه هنر ایشان در استفاده از الگوهای معصوم و تبدیل آنها به عوامل و عناصر راهبردی در مدیریت دانست.

ک) مثال ۵: کدام رویکرد غالب در مدیریت اسلامی تحت عنوان فقه معروف است و علم آن را علم فقه می‌گویند؟

- ۱) بخش عقاید ۲) بخش اخلاق ۳) بخش احکام ۴) بخش رفتار

پاسخ: گزینه «۳» تعلیمات اسلامی چیزهایی هستند که جزء متن اسلام است. تعلیمات اسلامی از حیث ارتباط آن‌ها با انسان مورد توجه قرار گرفته و بر مبنای ابعاد وجودی انسان به سه قسم تقسیم شده‌اند: بخش عقاید، بخش اخلاق و بخش احکام.

ک) مثال ۶: تنها فلسفه‌ای که می‌تواند حقیقت صحت وقوع و عین را به مرحله اثبات برساند چیست؟

- ۱) فلسفه علمی ۲) فلسفه عملی ۳) فلسفه نظری ۴) فلسفه توحیدی

پاسخ: گزینه «۲» صحت شناخت و آنچه می‌تواند زمینه تکامل انسان قرار گیرد «عمل» است و صحت عمل به «وقوع» بازگشت می‌کند و تنها فلسفه‌ای که می‌تواند حقیقت صحت وقوع و عین را به مرحله اثبات برساند، همانا فلسفه عملی است.

مطالعه مسائل، مشکلات، سوالات و فرضیه‌ها

هر سؤال و هر فرضیه، به ویژه در مطالعات کاربردی که امروزه محور اصلی تحقیقات قرار گرفته، براساس مسائل و مشکلات مطرح می‌شود. به عبارت دیگر هر محقق در حوزه مطالعاتی خود، بعد از این که با برخی مسائل مواجهه می‌شود به دنبال پاسخگویی است، این فرایند تا فرضیه‌سازی و سپس آزمون ادامه دارد. از این رو عده‌ای سعی کرده‌اند با توجه به سؤال‌ها و فرضیه‌ها، آنها را به معارف و فرهنگ اسلامی عرضه و نتیجه را به منزله مدیریت اسلامی ارائه کنند. براساس این دیدگاه، ما پرسش‌های مدیریتی خودمان را که نوعاً برگرفته از ادبیات مدیریت کنونی است، از منابع اصیل اسلامی می‌پرسیم و پاسخ‌ها را در یک نظم منطقی قرار داده، نظام مدیریتی اسلام را شکل می‌دهیم.

مطالعه تئوری‌ها

تلاش محققان این است که ضمن توجه به ارتباط مفاهیم، مبنای مراجعه به متون اسلامی تئوری‌های مدیریت باشد؛ مثلاً عده‌ای با توجه به تئوری‌های انگیزشی، مثل تئوری مازلو، سعی کرده‌اند آن را بر مبنای معارف اسلامی توجیه و ضمن هماهنگ کردن مراتب مختلف نیاز، زاویه‌ای از مدیریت اسلامی را بیان کنند.

مطالعه واژه‌ها

عده‌ای با توجه به مفاهیم، واژه‌ها و کلمات خاصی که در مجموعه مباحث مدیریت موجود مطرح شده به سراغ معارف اسلامی آمده و تلاش کرده‌اند تا برای آن معنایی پیدا کنند. مثلاً مفهوم تصمیم‌گیری از میان وظایف مدیریت، گرفته شده و به معارف اسلامی عرضه می‌شود تا معانی هر واژه آن به دست بیاید و فرضاً با مفاهیمی مثل «عزم»، نوعی معادل‌سازی شده و به عنوان بخشی از مدیریت اسلامی مطرح شود و همچنین برای واژه برنامه‌ریزی در کتاب‌های مدیریت اسلامی واژه تدبیر قرار داده‌اند.

مدیریت اسلامی: رویکرد عقلی - فلسفی

اصالت عقل

انسان علاوه بر ابزار حس، ابزار دیگری را هم برای شناخت دارد که او را به درک عمیق‌تری می‌رساند. این ابزار، عقل است. عقل مراتبی از شناخت را برای انسان میسر می‌سازد که حس نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد. در روش فلسفی غالباً «عقل» اصل اساسی و درک‌کننده‌ی کلیات به شمار می‌رود.

معیار صحت

در روش فلسفی، معیار صحت بر چند تعریف بدیهی استوار است. در این روش، زیربنای صحت ادراک اصولی بدیهی هستند و تلاش محققان این است که در یک تحلیل نظری درستی هر ادراک را با برگرداندن به این اصول ثابت کنند.

ابزار دستیابی به معرفت

فلاسفه، ابزار کمال انسانی را روی آوردن به برهان و منطق می‌دانند و همه را به تفکر و تعقل دعوت می‌کنند. از نظر آنها اگر انسان بخواهد به مقام انسان کامل برسد باید با پای منطق و با ابزار استدلال و قیاس و صغری و کبری چیدن و فکر کردن قدم در این راه بگذارد. در این صورت انسان تبدیل به جهانی از اندیشه و فکر می‌شود و برهان ابزار، رسیدن به شناخت است و بهترین تکیه‌گاه برای عقل به حساب می‌آید.

شیوه رشد معرفت

رشد معرفت در این نظریه با به کارگیری قیاس انجام می‌شود. قیاس یعنی اینکه ذهن از یک قضیه‌ای کلی به قضیه‌ای که درجه کلیتش کمتر است برسد.

موارد و مصادیق رویکرد عقلی - فلسفی

با توجه به رویکرد عقلی - فلسفی، مدیریت اسلامی ترکیبی است از اسلام و مدیریت که مدیریت، به عنوان مصداقی از علم، اسلام مصداقی از دین و در نتیجه مدیریت اسلامی مصداقی از علم دینی مطالعه و بررسی می‌شود.

رویکردهای تبیینی

این رویکردها زیرمجموعه رویکرد عقلی - فلسفی است. رویکردهای تبیینی می‌گویند علم دینی، مفهومی واقعی و ممکن نیست، به همین ترتیب مدیریت اسلامی هم، مفهومی بی‌معناست و امکان جمع مدیریت و اسلام در یک ترکیب با معنی و علمی وجود ندارد. مهم‌ترین این رویکردها عبارتند از:

۱- **دیدگاه اثبات‌گرا:** طبق دیدگاه اثبات‌گرا دانش بشری سنخیتی واحد و یکدست دارد و مشخصه اصلی آن تجربی بودنش است و این که دانش از قضایایی تشکیل شده است که ساختار منطقی مشابه و یکدست دارد و همه از نوع قضایای ترکیبی هستند. بر این اساس قضایای تشکیل شده از مفاهیم دینی، فلسفی و اخلاقی یا بی‌معنا هستند و یا صرفاً بیانی از عواطف و احساس‌های درونی‌اند. بنابراین می‌توان گفت به اقتضای این دیدگاه، تعبیر علم دینی و همچنین مدیریت اسلامی بی‌معنا خواهد بود زیرا گزاره‌های دینی معنادار به‌شمار نمی‌آیند و آوردن صفت «دینی» برای علم و «اسلامی» برای مدیریت، ترکیبی بی‌معنی را به وجود می‌آورد.

۲- **نظریه عمل‌گرایی:** عمل‌گرایی هم مانند اثبات‌گرایی معرفت معتبر را یا تجربی می‌داند و یا قابل تعریف عملیاتی. بنابراین عمل‌گرایی مستلزم قائل شدن به تعریف عملیاتی است و علم دینی موجه و معنادار نخواهد بود.

۳- **دیدگاه کثرت‌گرایی:** کثرت‌گرایی معرفت شناختی نشان می‌دهد که قلمرو معرفت آدمی، قلمروی کاملاً یکدست نیست. می‌توان در آن به تفکیک حوزه‌هایی پرداخت. دو نوع کثرت‌گرایی وجود دارد: تبیینی و تداخلی. در کثرت‌گرایی تبیینی قلمرو معرفت بشری به حوزه‌هایی تقسیم می‌شود که بین آنها سنخیت و یکدستی وجود ندارد. بنابراین کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی در شکل تبیینی آن، تصویری از معرفت‌های بشری به دست می‌دهد که گویی مرزهای قاطع و غیرقابل عبوری بین آنها کشیده شده است. براساس کثرت‌گرایی تداخلی بر خلاف کثرت‌گرایی تبیینی برای علم دینی تعابیر دیگری هم می‌توان در نظر گرفت که با معنی باشد.

کج مثال ۷: مشخصه‌ی اصلی تجربی بودن مربوط به کدام یک از دیدگاه‌ها یا نظریه‌های زیر است؟

(۱) دیدگاه اثبات‌گرا (۲) نظریه عمل‌گرایی (۳) دیدگاه کثرت‌گرایی (۴) دیدگاه دین‌محور

پاسخ: «۱» بر مبنای دیدگاه اثبات‌گرا دانش بشری سنخیتی واحد و یکدست دارد و مشخصه اصلی آن تجربی بودن آن است و دانش متشکل از قضایایی است که ساختار منطقی مشابه و یکدست دارد و همه از نوع قضایای ترکیبی هستند.

مدیریت اسلامی رویکرد فقهی - اجتهادی

در رویکرد فقهی اجتهادی باید به متون اسلامی مراجعه شود و با توسل به روش نقلی باید‌ها و نبایدها در مدیریت موجود، استنباط شده و به عنوان یک واقعیت و یک اصل پذیرفته شود.

روش وحیانی

اصالت وحی: رویکرد فقهی - اجتهادی براساس روش وحیانی است. در این روش وحی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شناخت است و با توجه به همین منبع، عده‌ای معتقدند که درک حقایق عالم فقط در پرتو وحی امکان‌پذیر است. بنابراین وقتی حس، عقل و قلب می‌توانند به ادراکی هماهنگ با هستی برسند که با توجه به اصول موضوعه و مفروضاتی که از نظام فکری اسلام به دست آمده، این کار را انجام داده و اصالت را به وحی دهند.

مجموعه‌نگری در شناخت: جهان یک مجموعه است و بر مبنای اعتقادات اسلامی به عنوان یک مخلوق تلقی می‌شود، پس واضح است به دنبال غایت و هدفی است که در ذات و ماهیت همه پدیده‌ها و به صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود. بنابراین در صورتی که از این امر غفلت شود، بدون شک به شناختی



مدرس‌ان شریف

فصل یازدهم

«مدیریت علمی و نظریه‌ها»

با علم «تولید»، انسان «توحیدی» نمی‌توان ساخت

با توجه به تخصص مورد نیاز برای «تولید» سازمان و همچنین نقش مدیر در زمینه‌سازی ارتباطات و هماهنگی «مکتب و علم» درون سازمانی و بین کارکنان، کاملاً مشخص است که مدیر اسلامی بدون برخورداری از تخصص و فن «تولید» نمی‌تواند رسالت خود را که همان «تولید» برای حفظ حیات و کمال مادی و معنوی «انسان» است، عملی کند. بنابراین «مدیر اسلامی» که دارای دو رسالت «تعالی» معنوی و «کمال» مادی انسان‌ها است، باید بعد از احراز صفات رهبری (که مستمر و ابدی است)، مدارج «علمی» در زمینه «تولید» را نیز، با هدف افزایش سطح معلومات خود، کسب کند. امروزه منطبق با «مدیریت علمی» و آنچه در دانشگاه‌های دنیا یا برخی از سازمان‌ها وجود دارد، «مدیریت تولید و منابع انسانی» را به عنوان «مدیریت علمی» تبیین می‌کنند. با گسترش مباحث مربوط به افزایش «تولید» به دنبال سبک و شیوه تیلوریسم به منظور اداره امور «انسان‌ها» بوده و آگاهانه یا ناآگاهانه موضوع «مدیریت مکتبی» یا همان «تعالی» انسان را به دست فراموشی سپرده‌ایم. در اینجا یادآوری می‌کنیم که مکتب مدیریت علمی که به نام بنیانگذار آن فردریک وینسلو تیلور شناخته می‌شود، مبتنی بر تجارب کم و محدود در حیطه فعالیت‌های بازرگانی و تولیدی است و انگیزه‌ی انسان به فعالیت را فقط در امور مادی و اقتصادی جستجو می‌کند. این مکتب بر پایه‌ی نگرشی تک بعدی به انسان، به عنوان «موجودی اقتصادی»، استوار است. آنچه تحت نام «مدیریت علمی» در دانشگاه‌های دنیا متداول است، چیزی جز «مدیریت تولید» یا «علم تولید» نیست و «مکتب» نیز نه تنها با آن مخالف نیست بلکه دستیابی به تخصص تولید و ایجاد شرایط لازم برای مدیران اسلامی جهت بهره‌وری کافی در تولید را ضروری می‌داند. اما آنچه باید از دید «مدیران» پنهان نماند و مورد توجه بسیار قرار گیرد، این است که علم «تولید»، علم «دین» نیست و با علم تولید «انسان» توحیدی نمی‌توان ساخت. اصولاً در جامعه امروز، اصطلاح «مدیریت علمی» به تمامی عملکردهای سازمانی گفته می‌شود که شامل «انسان» و «ابزار» و فن آن می‌باشد. این اشتباه مصطلح بوده و باید مقوله انسان و ابزار پیشبرد کار در سازمان از یکدیگر جدا شود. در واقع مدیریت مکتبی (اسلامی) مدیریتی است که در درون سازمان در راستای تعالی و تکامل معنوی نوع بشر انجام می‌شود، در حالی که علم «تولید» یا «مدیریت تولید»، نحوه‌ی اداره «ابزار» و وسایل «مادی» مانند سرمایه، پول، ماشین‌آلات و... است که در خدمت سازمان و مدیریت آن است.

کلمه مثال ۱: کدام یک از مکاتب زیر بر پایه‌ی نگرشی تک بعدی به انسان استوار است؟

۲) مکتب مدیریت علمی

۱) مکتب مدیریت اسلامی

۴) مکتب مدیریت تولید

۳) مکتب مدیریت انسانی

پاسخ: گزینه «۲» مکتب مدیریت علمی بر پایه‌ی نگرشی تک بعدی به انسان و به عنوان موجودی اقتصادی استوار است. در واقع آنچه به عنوان مدیریت علمی در دنیا متداول است، چیزی به جز مدیریت تولید یا علم تولید نیست و مکتب نیز نه تنها با آن مخالف نیست بلکه دستیابی به تخصص تولید و ایجاد شرایط لازم برای مدیران اسلامی در تولید را امری لازم می‌داند.

نکته ۱: مدیریت مکتبی (اسلامی) مدیریتی است که در راستای تعالی و تکامل معنوی انسان است و علم تولید یا مدیریت تولید، نحوه اداره ابزار و وسایل مادی (نظیر پول، ماشین‌آلات و...) را بر عهده دارد.

در نظر داشته باشید که امروزه بیشتر صاحب‌نظران، نیروی انسانی را در ردیف تجهیزات، سرمایه و دیگر منابع قرار می‌دهند و سطح انسان را در حد وسایل مادی و آماری پایین می‌آورند. در حالی که در مباحث دیگر و به‌طور هم‌زمان، صحبت از «الیناسیون» یا ماشینی شدن یا از خودبیگانگی «انسان» می‌کنند، مباحثی که در حوزه روانشناسی سازمان‌ها تحت بررسی و مطالعه بوده و نظریات و فرضیه‌های فراوانی را در موضوع «مدیریت علمی» به زبان علمای مدیریت تولید به وجود آورده است. برای آگاهی از دیدگاه «مدیریت علمی» درباره‌ی انسان، باید به سراغ تعریف «انسان» از نظر دانشمندان



«مدیریت تولید» برویم. آن‌ها «انسان» را یکی از ابزار تولید به حساب می‌آورند و می‌گویند «هدف نهایی مدیریت علمی پرورش و رساندن هریک از کارکنان به حداکثر ظرفیت تولیدی اوست!!» این تعریف نشان می‌دهد که کلمه «پرورش» به حداکثر ظرفیت «تولیدی» انسان شاغل در سازمان اشاره دارد و به معنای «آماده ساختن و جهت دادن» انسان‌ها فقط برای «تولید» است و نه چیز دیگری. اکنون با توجه به این نوع تعبیر و استنباط در جهان‌بینی تولید (مادی) و تعمیم آن به «مدیریت اسلامی» که بر جهان‌بینی «توحید» استوار است، می‌توانیم مشخص کنیم که مرز بین «مدیریت علمی» و «مدیریت اسلامی» تا کجاست؟

کج مثال ۲: برای آگاهی از دیدگاه مدیریت علمی درباره انسان باید از کدام روش استفاده نمود؟

- (۱) استفاده از تعریف انسان از نظر دانشمندان مدیریت علمی
 (۲) استفاده از تعریف انسان از نظر دانشمندان مدیریت اسلامی
 (۳) استفاده از تعریف انسان از نظر دانشمندان مدیریت تولید
 (۴) استفاده از تعریف انسان از نظر دانشمندان مدیریت انسانی

پاسخ: گزینه «۳» در واقع برای آگاهی از دیدگاه مدیریت علمی درباره انسان باید تعریف انسان از نظر دانشمندان مدیریت تولید را در نظر بگیریم. این دانشمندان انسان را یکی از ابزارهای تولید به حساب آورده و می‌گویند: هدف نهایی مدیریت علمی پرورش و رساندن هر یک از کارکنان به حداکثر ظرفیت تولیدی اوست. در اینجا کلمه‌ی پرورش به حداکثر ظرفیت تولیدی انسان شاغل در سازمان اشاره دارد و به معنای آماده ساختن و جهت دادن انسان‌ها برای تولید است.

ارتباط «مدیریت تولید» یا «علم تولید» با موضوعاتی که تحت عنوان «مدیریت علمی» مطرح می‌شود و همچنین کاربرد آن برای «تولید» در سازمان نه تنها غیراسلامی نیست، بلکه از صفات لازم برای مدیر اسلامی قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر مدیر اسلامی، انسان‌ها را برای رشد «معنوی» آماده می‌کند و با کسب صفات رهبری و تفکرات و دیدگاه‌های مکتب اسلام، «تولید» را نیز افزایش داده و به کمال می‌رساند. مدیر اسلامی با کمک دانش مدیریت و برخورداری از علم تولید یا مدیریت تولید که در دانشگاه‌های دنیا تحت عنوان «مدیریت علمی» شناخته می‌شود، به افزایش سطح کمی و کیفی «تولید» کمک می‌کند. بنابراین باید گفت اختلاف بین «مدیریت اسلامی» و «مدیریت علمی»، دیدگاه آنها نسبت به انسان و تولید است. به عبارت دیگر مدیریت علمی یا تیئوریسم انسان را وسیله و تولید را هدف می‌داند؛ در حالی که در جهان‌بینی الهی و بینش مدیر اسلامی، انسان هدف و تولید وسیله است. به عبارتی در مکتب اسلامی، تولید وسیله‌ای است برای رشد استعداد و خلاقیت انسان‌های شاغل در سازمان و ابزاری برای تأمین نیازهای معنوی و مادی انسان‌ها است. این امر برای تقرب به سوی خداوند و بقای «حیات» بشر حائز اهمیت است. عده‌ای از دانشمندان و صاحب‌نظران می‌کوشند تا مبحث «مدیریت علمی» را به عنوان مجموعه‌ای بی‌عیب و نقص برای اداره امور انسان‌ها در سازمان مطرح کنند؛ همان‌طور که دانشمندان مدیریت می‌دانند، پس از سال‌ها تجربه تلخ اعمال «مدیریت علمی» (تیئوریسم)، انسان‌ها دچار از خودبیگانگی و سازمان دچار خلأ معنوی شده است. دانشمندان مدیریت برای جبران خلأ معنویت ناشی از برخورد و ارتباطات غلط و مادی‌گونه (غیرمعنوی) با انسان‌ها برای مقابله با عوارض روانی پیش آمده برای کارکنان سازمان‌های صنعتی و بازرگانی به مکاتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی روی آورده‌اند.

کج مثال ۳: در جهان‌بینی الهی و بینش مدیر اسلامی، انسان و تولید چه نقشی دارد؟

- (۱) هر دو وسیله محسوب می‌شوند.
 (۲) انسان را وسیله و تولید را هدف می‌دانند.
 (۳) هر دو هدف محسوب می‌شوند.
 (۴) انسان را هدف و تولید را وسیله می‌دانند.

پاسخ: گزینه «۴» اختلاف بین مدیریت اسلامی و مدیریت علمی، به علت دیدگاه متفاوت آنها به انسان و تولید است، به عبارت دیگر مدیریت علمی یا تیئوریسم، انسان را وسیله و تولید را هدف می‌داند، در حالی که در جهان‌بینی الهی و بینش مدیر اسلامی، انسان هدف و تولید وسیله است.

نکته ۲: در جهان‌بینی الهی و مکتب اسلامی، تولید وسیله‌ای است برای رشد استعداد و خلاقیت انسان‌های شاغل در سازمان و ابزاری برای تأمین نیازهای معنوی و مادی انسان‌هاست.

پس می‌توانیم بگوییم که بحث‌های مدیریت منابع انسانی، رهبری و رفتار سازمانی، روان‌شناسی سازمانی و روابط صنعتی، روابط انسانی و... که امروزه در اکثر دانشگاه‌های دنیا به آن پرداخته می‌شود، برای جبران همین عقب‌ماندگی «علم» از «مکتب» در حوزه اداره انسان در سازمان است. با توجه به مطالب مذکور، به این نتیجه می‌رسیم که از موارد ضروری برای شایستگی‌ها و قابلیت‌های مدیر اسلامی این است که دارای «علم و تخصص تولید» یا «مدیریت تولید» باشد. بنابراین لازم است که مدیر اسلامی برای کسب شرایط علمی لازم برای حفظ حیات و سلامت فعالیت‌های مادی انسان اصولی را بداند و به آن عمل کند. این اصول عبارتند از:

- ۱- شناخت و آگاهی از میزان امکانات طبیعی (مواد اولیه) موجود در جامعه و قرار دادن «تولید» بر پایه‌ی استفاده از این مواد.
- ۲- آگاهی از میزان سرمایه‌گذاری مادی و امکانات موجود در کشور.
- ۳- برخورداری از علم «تولید» سازمان.
- ۴- به‌کارگیری نیروهای مستعد و متخصص در تمام زمینه‌ها.
- ۵- مشورت و استفاده از نظرات تمامی کارکنان برای «تحصیل» یا اتخاذ بهترین تصمیم.

روشن است که آنچه در مطالب فوق به نام اصول «تولید» یا «مدیریت» از آن صحبت کردیم، جدا از عناصر مدیریت یا وظایف آن است و تحت عنوان «مدیریت علمی» در کتب دانشگاهی تدریس و مطالعه می‌شود.

کلمه مثال ۴: از جمله موارد ضروری برای شایستگی‌ها و قابلیت‌های مدیر اسلامی چیست؟

- (۱) علم و تخصص تولید
(۲) شناخت از میزان امکانات
(۳) به کارگیری نیروهای مستعد
(۴) آگاهی از میزان سرمایه‌گذاری مادی

پاسخ: گزینه «۱» از جمله موارد ضروری برای شایستگی‌ها و قابلیت‌های مدیر اسلامی این است که دارای علم و تخصص تولید یا مدیریت تولید باشد. در واقع لازم است که مدیر اسلامی برای کسب شرایط علمی لازم جهت حفظ حیات و سلامت فعالیت‌های مادی انسان اصولی را بداند و به آن‌ها عمل کند.

کلمه مثال ۵: کدام مورد از جمله اصول مهمی که مدیر اسلامی برای حفظ حیات و سلامت فعالیت‌های مادی انسان باید از آن‌ها آگاه باشد، محسوب نمی‌شود؟

- (۱) شناخت و آگاهی از میزان امکانات طبیعی
(۲) آگاهی از میزان سرمایه‌گذاری مادی
(۳) برخورداری از جسم و بدن سالم
(۴) برخورداری از علم تولید سازمان

پاسخ: گزینه «۳» از جمله اصولی که مدیر اسلامی باید آن‌ها را بداند و به آن‌ها عمل نماید عبارتند از: شناخت و آگاهی از میزان امکانات طبیعی، آگاهی از سرمایه‌گذاری مادی و امکانات موجود در کشور، برخورداری از علم تولید، به کارگیری نیروی مستعد و متخصص در تمام زمینه‌ها، مشورت و استفاده از نظرات تمامی کارکنان.

بنابراین باید گفت مدیریت منابع انسانی و شیوه‌های رفتاری و روانی در اداره سازمان‌ها یک مقوله «مکتبی» است و به همان اندازه «مدیریت تولید» یا علم «تولید» و عناصر و وظایف مدیریت در اداره مباحث «تولیدی» مقوله‌ای «علمی» به حساب می‌آید. دانش پژوهان مدیریت باید به این نکته توجه داشته باشند که تمایز بین «مدیریت اسلامی» و «مدیریت علمی» در تفکیک بین «روح» از «ماده» یا «انسان» از «ماشین» است. به عبارتی، اداره امور انسان‌ها در سازمان تنها با مفاهیم مکتبی تحقق می‌یابد و اداره امور تولید با مفاهیم علم امکان‌پذیر است. دنیای علم، خلاف آنچه را که گفتیم، عمل نمی‌کند؛ از آنجایی که انسان برای شناخت خود به تفکر و تفحص در عالم خلقت و تعالیم نمی‌پردازد، فقط سعی می‌کند با اصطلاحات علمی بشریت را به اشتباه بیندازد و او را فریب دهد.

نکته ۳: افرادی که به مطالعات در علوم انسانی، از جمله مدیریت، علاقه دارند، این حقیقت را بدانند که اصولاً تمامی مباحثی که در ارتباط با روحیات و روان انسان‌ها است، یک مبحث «مکتبی» و آنچه در ارتباط با تولید و مدیریت تولید است یک بحث «علمی» است. هر دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و برای مدیر اسلامی به مثابه دو بال یک پرنده است.

کلمه مثال ۶: تمایز بین مدیریت اسلامی و مدیریت علمی در چیست؟

- (۱) تفکیک هدف از وسیله
(۲) تفکیک روح از ماده
(۳) تفکیک مکتب از علم
(۴) تفکیک علم از عمل

پاسخ: گزینه «۲» تمایز بین مدیریت اسلامی و مدیریت علمی در تفکیک بین روح از ماده یا انسان از ماشین است.

مدیریت علمی، «علمی» جز علم «تولید» نیست

بعد از «مکتب» و «مدیر»، «انسان» یا «کارکنان شاغل» در سازمان، سومین رکن مدیریت اسلامی است. صاحب‌نظران مدیریت تولید، «شغل» را عنصر اصلی سازمان می‌دانند اما در مدیریت اسلامی «شاغل»، پایه اصلی سازمان است. هدف اصلی از تأسیس سازمان، رشد و تعالی «شاغل» در سازمان است. در حقیقت در جامعه اسلامی مکتب، مدیر و سازمان با همه ارزش‌های مادی و تولیدی موجود، ابزاری است که در اختیار «انسان» شاغل قرار می‌گیرد تا در جهت رشد و کمال مادی خود و دیگران از آن استفاده کند. بنابراین، این گمان که هدف از تأسیس سازمان ایجاد شغل برای (تولید) است، یک اشتباه فاحش بوده و ساده‌انگارانه است؛ زیرا ایجاد «شغل» برای «تعالی» انسان‌هاست و تولیدی که از این تعالی حاصل شود، خود «تعالی» دیگری را ایجاد می‌کند که منجر به رشد و استعدادهای بالقوه انسان در سازمان می‌شود.

نکته ۴: ارکان اساسی مدیریت اسلامی در سازمان شامل مکتب، مدیر و انسان یا کارکنان شاغل در سازمان می‌باشد.

بنابراین با توجه به جهان‌بینی الهی و اسلامی که جهان را در اختیار «انسان» مسئول قرار می‌دهد و انسان با بهره‌برداری صحیح از نعمات الهی در این جهان هستی به دنبال رشد معنوی و کمال مادی خود است، «مدیران» این اجازه را ندارند که کارکنان را مستقیم و یا غیرمستقیم در خدمت وسایل و تجهیزات یا بهتر بگوییم «هدف تولید» قرار دهند و برای بالابردن تولید خود از «تعالی» انسان در سازمان بکاهند. کاملاً واضح است که مکتبی که در آن کار و اشتغال «عبادت»، کارگاه و محل کار «معبد» و عرق کارگر از «خون شهید» مقدس‌تر و باارزش‌تر است و پیامبر این مکتب بر دست کارگر بوسه می‌زند، نوع نگرش به انسان نگرشی است که تولید را در خدمت «تعالی» کارکنان می‌داند.

کدام مورد از جمله برکات انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؟

- (۱) تسهیل در برقراری ارتباط با کارکنان
 (۲) تسهیل در برقراری ارتباط با مقامات لشکری و کشوری
 (۳) تسهیل در برقراری قانون روابط انسانی
 (۴) تسهیل در آماده‌سازی منابع مادی سازمان

پاسخ: گزینه «۲» از برکات انقلاب اسلامی تسهیل در ارتباط با مقامات لشکری و کشوری بوده است. این امر نباید باعث شود که هر کس در هر سازمانی به هر دلیل کوچکی به سراغ وزیر یا مدیر برود. مدیران آن سازمان‌ها نیز نباید این روش را پرورش دهند، بلکه هر کار را باید به مدیر اجرایی مربوط به آن وظیفه محول سازند.

همین فراوانی مراجعات غیرضروری باعث شده افراد متفکر و برنامه‌ریز تمام وقت خود را برای امور اجرایی بگذارند. همین مسأله سازمان را از داشتن یک برنامه‌ی صحیح و حرکت منطقی و درست برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی و عمرانی محروم کرده است. برای پاسخ به این سؤال که در بعضی از سازمان‌های دولتی برنامه وجود ندارد، باید گفت که دلیل آن بی‌علاقگی یا بی‌لیاقتی مسئولان و مدیران آن سازمان‌ها نیست، بلکه این ازدحام امور اجرایی مدیران، دیگر وقتی برای امور برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری باقی نمی‌گذارد. اثرات سوء این نوع مدیریت در این است که مدیران چون در امور اجرایی غرق می‌شوند با گذشت زمان، خلاقیت و تفکر نواندیش خودشان را از دست می‌دهند و زمانی که بخواهند به خود برگردند دیگر نمی‌توانند چنین کار دشواری را انجام دهند و با همین وضع سازمان را به افراد دیگری واگذار می‌کنند. حال با توجه به مطالب گفته شده به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت:

- ۱- مدیریت از دیدگاه اسلام هنر هماهنگی روابط انسانی است و از وظایف مدیر اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به کارگیری درست و مطلوب نیروی انسانی و منابع مادی سازمان در جهت اهداف جامعه و سازمان است.
- ۲- مدیر به عنوان تنها مسئول اجرایی در هماهنگی روابط انسانی، خود فردی است آگاه به مکتب و اهداف آن، دارای شایستگی و صاحب تفکر، با فراغت بال و با دوری از هرگونه مسئولیت اجرایی، نقش هماهنگ‌کننده، فرمان‌دهنده به دیگر اعضا و واحدهای سازمانی را بر عهده دارد.
- ۳- سازمان، نهادی مقدس است که بخشی از اجزای جامعه توحیدی است و مدیر در درون سازمان نماینده‌ای است که امام‌گونه حرکت کل جامعه را به سوی خداوند متعال تسهیل می‌کند.
- ۴- آزادسازی راه‌های ارتباطی با مسئولان بلندپایه کشور هرچند پدیده و کار انقلابی است، اما افراط در این امر تا جایی که باعث اتلاف زمان مدیران کشور و بی‌ثمر شدن وقت و انرژی آنها شود، امری خلاف بوده و به دور از سیاست‌ها و اهداف اسلامیت و مدیریت است.
- ۵- رابطه مدیر با افراد درون و بیرون سازمان باید به‌گونه‌ای باشد که اهداف، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های او، انجام مشروع و قانونی خواسته‌های مردم باشد. این مهم بدون ارتباط منظم و هماهنگ با همه ارکان سازمان امکان‌پذیر نیست و از مدیری که درگیر پرونده‌سازی، نامه‌نگاری و در یک کلمه بوروکراسی منفی است چنین انتظاری بیپه‌وده است که وظایف و مسئولیت‌هایش را به خوبی انجام دهد.

کدام مورد از جمله وظایف مدیر اسلامی به شمار نمی‌آید؟

- (۱) انجام امور اجرایی سازمان‌ها
 (۲) فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها
 (۳) به‌کارگیری درست و مطلوب نیروی انسانی
 (۴) به‌کارگیری درست و مطلوب منابع مادی سازمان

پاسخ: گزینه «۱» مدیریت از دیدگاه اسلام، هنر هماهنگی روابط انسانی است و از وظایف مدیر اسلامی، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به کارگیری درست و مطلوب نیروی انسانی و منابع مادی سازمان در جهت اهداف جامعه و سازمان است.

مدیریت اسلامی بر شور استوار است

خداوند در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۵ می‌فرماید: «هرگز اموال شما نباید به دست سفیهان و تحت مدیریت آنها باشد، اموالی که خداوند پایه قدرت و قوام و نیروی شما قرار داده است».

این آیه تمام مطالبی را که تاکنون سعی می‌کردیم در مورد آن صحبت کنیم، بیان می‌کند؛ اینکه اموال و منابع نباید تحت سرپرستی و مدیریت افرادی قرار گیرد که آن را برای استحکام یا ساختن و سازندگی انسان‌ها قرار نمی‌دهند. همان‌طور که خداوند پیامبرانی را برای خارج کردن انسان‌ها از جهل و فساد فرستاد و به آنان دستور داد که ساختن و بالندگی را سرلوحه برنامه زندگی خود قرار دهند؛ بنابراین در هر سازمان و ارگان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، برنامه مدیریت باید در جهت بالندگی منابع انسانی باشد. پس در این مکتب (مدیریت اسلامی) باید اداره امور و اموال مردم را از دست مدیرانی که به دنبال اختلاس و غارت و استثمار مردم و جامعه هستند خارج کرد.

مدیریت بانک‌ها، کارخانه‌ها و امثال آنها نباید به فلان مقام متخصص (متخصص سفیه و بی‌تدبیر)، مالکان ظالم، سرمایه‌داران سودجو، مستکبران و مرفهان استثمارگر سپرده شود؛ زیرا افرادی که امور و اموال مردم را در مسیر الی الله که همان مصالح عمومی و حقوق زحمت‌کشان و مستضعفان جامعه و زاغه‌نشینان است، اداره نکنند، علم مکتبی و وجدان اسلامی ندارند. به خصوص که این آیه اموال را موجب استحکام و قوام و قدرت مردم دانسته و جامعه اسلامی انسان‌ها را مخاطب قرار داده است.



مطالب فوق نشان می‌دهد که اسلام بر اداره‌کنندگان اموال مردم تأکید صریح و روشنی دارد. مدیر یا اداره‌کننده جامعه و سازمان چگونه باید باشد و تحت چه شرایطی بر مسئولیت و اداره سازمان گمارده شود؟

امامت در اسلام مبحث گسترده‌ای است. اگر امام را در جامعه رهبر و پشتیبان پیروان خود بدانیم، در این صورت هر شخصی که در رأس امور و به عنوان مدیر و هماهنگ‌کننده فعالیت‌های اعضای گروه و سازمان قرار گیرد، خود، در جامعه کوچکی که زیر نظرش است یک امام است. در اسلام این اصل رهبری برای پرورش انسان‌ها و غنی‌ساختن آنها امری واجب و ضروری است. دادن نقش به انسان‌ها و وابسته نکردن آنان به صفات یکدیگر این خوبی را دارد که نوع بشر بتواند رسالت زندگی خود را که سیر الی الله و کامل کردن خویش است، انجام دهد. رهبر یا مدیر در محدوده سازمان خود باید صفات، ویژگی‌ها و رفتاری را داشته باشد که شایسته رهبری بوده و کارکنان سازمان بتوانند آن‌ها را الگوی خود قرار دهند. توجه داشته باشید که اصل مسلم امامت در تشیع در این است که امام باید توسط پیروان یا شیعه خود پذیرفته شده باشد. این حقیقت کلیه اصول شور و شورا در مکتب اسلام را بیان می‌کند. این اصل می‌گوید اگر مدیری از طرف کارکنانش پذیرفته شده باشد، باید در یک رابطه دائمی از مشورت و شور با آنان بهره‌گیرد تا تصمیماتی که اتخاذ می‌کند متناسب با خواسته‌های کارکنان باشد. در چنین شرایطی اگر مدیر صفات اصلی و حقیقی در صحنه سازمانی و مدیریت امور را نداشته باشد، به طور طبیعی شورایی از مدیریت در سازمان شکل می‌گیرد. شورای مدیریت یا مدیر در درون سازمان با هدف برقراری رابطه اسلامی و عاطفی با کارکنان خود باید شرایطی را رعایت کند. روابط درون شورا یا روابط بین خود اعضای شورای مدیریت و نحوه انتخاب آنها نیز نیاز به بحث‌های زیادی دارد که در اینجا فرصت صحبت در این باره نیست. اما به‌طور خلاصه می‌توان گفت که حتی‌الامکان اعضای شورای مدیریت باید از بین افرادی انتخاب شود که دارای تعهدات و اعتقادات یکنواخت هستند. یعنی دارای گرایش‌های اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و فکری یکسانی باشند تا تضادهای عقیدتی و نگرشی در درون شورا باعث ایجاد خلل در حرکت سازمان و نابودی کارکنان آن نشود. اما درباره رابطه شورای مدیریت و یا مدیر با کارکنانش ابتدا باید به این مطلب مهم توجه کنید که در یک مجموعه اسلامی، رابطه‌هایی که بین انسان‌ها و کارکنان برقرار می‌شود، براساس خواسته‌های دنیوی (پست‌های سازمانی) نیست، بلکه رابطه‌ی انسان‌ها در درون سازمان به صورت افقی است و نمودار سازمانی به صورت افقی ترسیم می‌شود؛ به طور مثال، افراد با داشتن یک پست سازمانی مثل مدیریت فنی یا سرپرستی تولید، نمی‌توانند ادعای برتری بر کارگر یا کارمند را داشته باشند. بنابراین از دیدگاه مدیریت اسلامی هیچ‌گاه مقامات و پست‌های دنیوی و مادی نمی‌توانند درجه برتری فردی باشند، بلکه در جامعه اسلامی و در درون سازمان‌های اسلامی، درجه برتری انسان‌ها براساس تقوا و پرهیزکاری الهی افراد است. در حقیقت نمودار سازمانی در این خصوص، بر مبنای تقوا و پرهیزکاری عمودی است. این سلسله مراتب عمودی (براساس تقوا و پرهیزکاری) است که می‌تواند مدیران و مسئولان آینده سازمان را در سطح رهبری و مدیریت مشخص کند.

کلمه مثال ۱۴: این اصل مسلم امامت در تشیع که امام باید توسط پیروان یا شیعه خود پذیرفته شود به کدام مورد اشاره دارد؟

- (۱) اصل رهبری (۲) اصل شور و شورا (۳) اصل تحقق دین (۴) اصل امامت

پاسخ: گزینه «۲» اصل مسلم امامت در تشیع این است که امام باید توسط پیروان یا شیعه خود پذیرفته شده باشد. این حقیقت کلیه اصول شور و شورا در مکتب اسلام را بیان می‌کند. این اصل می‌گوید که اگر مدیری از طرف کارکنانش پذیرفته شده باشد، باید در یک رابطه دائمی از مشورت و شور با آنان بهره‌گیرد تا تصمیماتی که اتخاذ می‌کند متناسب با خواسته‌های کارکنان باشد.

در این میان رابطه بین مدیر اسلامی با کارکنانش همه بر «شور» استوار است. تأکید بر این اصل که مدیر مسلمان باید از طرف کارکنان سازمان پذیرفته شود، نشان‌دهنده این مطلب است که مدیر باید آیین تمام‌نمای خواسته‌های مشروع کارکنانش در جهت اهداف سازمان و رفاه کارکنان باشد. یا بهتر بگوییم مدیر اسلامی همیشه مورد قضاوت کارکنان خودش قرار می‌گیرد و همیشه باید برای جواب‌گویی به پرسش و پاسخ و محکمه آماده باشد. به اصطلاح معروف «آن را که حساب پاک است از محاکمه چه باک است». مدیری با چنین مشخصاتی هرچند که مورد اتهام قرار گیرد حتی اگر علی‌وار خانه‌نشین شود، حداقل در برابر وجدان خودش آسوده است و اگر در این میان حقوق کارکنان ضایع شود به دلیل مدیریت خاص با عدم بینش اسلامی است.

کلمه مثال ۱۵: تأکید بر این اصل که مدیر مسلمان باید از طرف کارکنان سازمان پذیرفته شود، بیانگر چیست؟

- (۱) مدیر باید در جهت اهداف فردی خود حرکت کند. (۲) مدیر باید در جهت تحقق اهداف کارکنان گام بردارد. (۳) مدیر باید آینه تمام‌نمای خواسته‌های مشروع کارکنانش باشد. (۴) مدیر باید برای بهبودی روابط بین کارکنان تلاش کند.

پاسخ: گزینه «۳» تأکید بر این اصل که مدیر مسلمان باید از طرف کارکنان سازمان پذیرفته شود، نشان‌دهنده این است که مدیر باید آیین تمام‌نمای خواسته‌های مشروع کارکنانش در جهت اهداف سازمان و رفاه کارکنان باشد.

حال اگر بخواهیم روش و سلوک مدیریت اسلامی را به صورت امروزی و با معیارهای کلاسیک مدیریت بیان کنیم، باید بگوییم که مدیریت اسلامی مبتنی بر تشریک مساعی و سپردن نقش کامل به کارکنان در تمامی سطوح سازمانی است. به عبارت دیگر تصمیم‌گیری در سازمان‌های اسلامی از پایین به بالاست. تصمیمات مدیر و شوراها مشورتی منتخب که در کنار او قرار دارند، نظرات، پیشنهادات و خواسته‌های قانونی اکثر کارکنان سازمان را منعکس می‌کند. این کار مدیر چگونه عملی می‌شود؟ این کار مدیر و شوراها را فقط با تماس مستقیم و رابطه بدون واسطه با تک‌تک کارکنان درون سازمان امکان‌پذیر است.